

ماهیت قانون (۳) قانون در جمهوری اسلامی ایران

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

کد موضوعی: ۳۳۰
شماره مسلسل: ۱۴۷۰۳
بهمن ماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	فصل اول - تاریخچه قانون و قانونگذاری در ایران
۱۲	فصل دوم - قانون و قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران
۳۶	نتیجه گیری
۳۶	منابع و مآخذ



ماهیت قانون (۳) قانون در جمهوری اسلامی ایران

چکیده

علیرغم اینکه در دوران گوناگون پس از اسلام، مردم سرزمین ایران در سایه تعالیم قرآن، اهل بیت (ع)، وجود و حضور علما و مجتهدین همواره سعی داشته‌اند که در زندگی خود مقید به تعالیم و ضوابط شرعی باشند، اما به دلیل اینکه حکومت‌های پادشاهی بر این سرزمین حکمرانی کرده‌اند به ندرت می‌توان سوابقی از اداره جامعه براساس ضوابط و قواعد مشخص و مدون یافت. در دوران مشروطه، در سایه روشنگری‌های نخبگان و خصوصاً علما لزوم تبعیت حکومت از ضوابط و قوانین مدنظر قرار گرفت. مباحث گوناگونی در موافقت یا مخالفت با مشروطیت و نیز تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس و وضع قوانین ازسوی آن وجود داشت، اما غالب علما از باب دفع افسد به فاسد و به‌خاطر اینکه مجلس و قانون را مانعی بر سر راه استبداد حاکم می‌دانستند با آن موافقت کردند و در نتیجه قانون اساسی مشروطه نگارش یافت و مجلس شورای ملی تشکیل شد تا به وضع قوانین بپردازد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام جمهوری اسلامی در کشور استقرار یافت. نظامی که جمهوریت و نقش مردم را پذیرفته و ماهیتاً نظامی مبتنی بر تعالیم اسلامی است. لذا نهادهای تقنینی که در این نظام شکل گرفته‌اند کارکرد اصلی آنها قانونگذاری است و باید در این چارچوب تحلیل شود. در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عج» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است و قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران که یکی از آنها قوه مقننه است، زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت براساس اصول قانون اساسی اعمال می‌شود. وضع قانون در جمهوری اسلامی ایران، وظیفه اصلی مجلس شورای اسلامی است. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام پارلمانی جمهوری اسلامی یک مجلسی و دو رکنی است. یکی از ارکان آن شورای نگهبان و رکن دیگر آن مجلس شورای اسلامی است. شورای نگهبان ضامن اسلامیت قوانین است؛ مطابق اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است. همچنین مطابق اصل هفتاد و دوم قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نودوششم آمده برعهده شورای نگهبان است».

علاوه بر شورای نگهبان که ناظر ماهیت قوانین است که مغایر قانون اساسی و موازین شرعی نباشد، مجلس شورای اسلامی نیز به‌عنوان مهمترین مظهر مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در تقنین دارد. مجلس برای وضع قانون، از طریق تشخیص موضوع سعی می‌کند مصالح کشور را بدون اینکه مخالفتی با قوانین الهی داشته باشد به جهت برنامه‌ریزی امورات کشور تقدیم کند.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، قوانین مجلس شورای اسلامی از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردارند که می‌توان گفت دین، اسلام و انقلاب چیزی است که در قالب قوانین مجلس شورای اسلامی تصویب شده است و از تأیید بزرگان و فقهای محترم شورای نگهبان یا بعضی از مراکز مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و غیره گذشته باشد.^۱

با توجه به جایگاه مصلحت در اسلام و نظام اسلامی، به‌گونه‌ای که به تعبیر امام امت گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد و از آن جایی که در مواردی میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی اختلاف نظر پیش می‌آید، مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند تشکیل شده است.

مقدمه

پیامبران الهی نخستین معلمان، مربیان و داوران جوامع بشری بودند و از همین رو بدون تردیدی می‌توان گفت که نخستین قوانین یا نخستین قواعد رفتار اجتماعی که موجب نظم جوامع و جلوگیری از اختلاف و درگیری مردم می‌شد، توسط آنان بر انسان‌ها عرضه شد. قرآن کریم می‌فرماید: «مردم امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند».^۲

بنابراین می‌توان گفت که قانون از نخستین روزهای حیات اجتماعی بشر بر کره زمین وجود داشته است و انبیای الهی یکی پس از دیگری قوانین و نظاماتی را که انسان‌ها برای ساماندهی امور اجتماعی خود به آنها نیازمند بودند، به جوامع عرضه می‌کردند. اما قانونگذاری به مفهوم جدید آن که بیشتر ناظر بر مقرراتی است که از سوی نهادی خاص و با رعایت ضوابط و تشریفات خاص وضع می‌شود سابقه چندانی ندارد و به اواخر قرن هجده میلادی برمی‌گردد.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخه ۱۳۶۹/۷/۴.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۳.

۳. علی‌پاشا، صالح. سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، صص ۳۴۳-۵۴۳.



با گسترش الگوی نظام‌های پارلمانی، اعم از مشروطه سلطنتی و جمهوری، قانون و قانونگذاری جایگاهی برجسته در اکثر قریب به اتفاق کشورها پیدا کرد و به ابزار و وسیله‌ای مهم برای تعیین سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های خرد و کلان جوامع و عاملی برای تحقق مقاصد و اهداف دولت‌ها تبدیل شد.^۱ از همین رو چنانچه نظام قانونگذاری یک کشور همراه با درایت، تدبیر، حکمت، واقع‌بینی و همه‌جانبه‌نگری باشد می‌تواند تا حدود زیادی به تحقق اهداف آن حکومت جامه عمل بپوشاند.

نظام جمهوری اسلامی که به رهبری امام خمینی (ره) در ایران اسلامی مستقر شد، نظامی است که برپایه ایمان به خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریح، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا بنا شده است.^۲

در نظام جمهوری اسلامی ایران، در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است براساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌شوند. (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خودگونگی انسان فراهم آید و این جز درگرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.^۳

براین اساس قانون اساسی نیز با رسالت عینیت بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی و فراهم ساختن شرایطی که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد تدوین شد و مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی بوده که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است.

ازجمله مواردی که در قانون اساسی به‌منظور تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته، مسئله قانون و قانونگذاری و نهادهای مرتبط با آن است. اینکه در نظام جمهوری اسلامی ایران ماهیت قانون چیست؟ لاجرم باید به همراه توجه به قانون اساسی و نیز دیدگاه‌های اصیل پیرامون آن خصوصاً نظرات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب صورت گیرد.

۱. البته لازم به ذکر است که در میان مکتب‌های مختلف حقوقی، در زمینه اهداف قانون یا قواعد حقوقی اتفاق نظر وجود ندارد. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به ماهیت قانون ۱ (تحولات مفهوم قانون)، محسن داوودی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، شماره مسلسل ۱۲۵۱۵، بهمن ۱۳۹۲، صص ۱۲-۲۳.

۲. قسمتی از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳. مقدمه قانون اساسی.

در این گزارش که سومین گزارش از سلسله گزارش‌های ماهیت قانون است.^۱ به بررسی ماهیت قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. ابتدا تاریخچه قانون و قانونگذاری در ایران (در عصر مشروطه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی) مورد اشاره قرار خواهد گرفت و سپس مفهوم قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران با بررسی ماهیت مردم‌سالاری دینی، ولایت فقیه و قانون، ساختار قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران، نقش شورای نگهبان، مجلس، مصلحت، حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول - تاریخچه قانون و قانونگذاری در ایران

در این فصل به دو عصر تأثیرگذار در قانون و قانونگذاری در ایران خواهیم پرداخت؛ یعنی عصر مشروطه و عصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

الف) در عصر مشروطه

علی‌رغم اینکه در دوران گوناگون پس از اسلام، مردم سرزمین ایران در سایه تعالیم قرآن و اهل بیت و نیز وجود و حضور علما و مجتهدین همواره سعی داشته‌اند که در زندگی خود مقید به تعالیم و ضوابط شرعی باشند، اما با این حال به دلیل اینکه حکومت‌های پادشاهی بر این سرزمین حکمرانی کرده‌اند به ندرت می‌توان سوابقی از اداره جامعه براساس ضوابط و قواعد مشخص و مدون یافت. بلکه غالباً پادشاهان مطابق آرا و نظرات مستبدانه خود حکمرانی می‌کردند.

استبداد حاکم بر جامعه به همراه روشنگری‌های نخبگان خصوصاً علما و روحانیون، زمزمه‌های مشروطه‌خواهی را در ایران شکل داد. آنچه به لحاظ ماهوی در حکومت مشروطه مدنظر قرار گرفته بود همان لزوم تبعیت حکام از ضوابط و قوانین بود.

در کتاب رسائل مشروطیت در نوشته‌ای از ملاعبدا... مازندرانی و آخوند خراسانی، مشروطیت چنین تعریف شده است: «مشروطیت هر مملکت عبارت از محدود و مشروط بودن ادارات سلطنتی و دوایر دولتی است به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه برطبق منصب رسمی آن مملکت و طرف مقابل آن، استبداد دولت است... پس حقیقتاً مشروطیت و آزادی ایران، عبارت از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاده از مذهب و بنای بر اجرای احکام الهیه عز اسمه و حفظ نوامیس شرعیه و ملیه و... و صیانت از بیضه اسلام و حوضه مسلمین می‌باشد».^۲

۱. گزارش ماهیت قانون (۱) به تحولات مفهوم قانون اختصاص داشت و در گزارش ماهیت قانون (۲) ماهیت قانون در اسلام مورد بررسی قرار گرفت.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۹۸.



یکی از عوامل بسیار مهم انقلاب مشروطیت که زمینه بسط افکار نوخواهی و آزادی‌طلبی برای ایجاد مشروطه پارلمانی را فراهم ساخت، حمایت جدی علما و روحانیون به‌ویژه مراجع تقلید از نهضت بود. مراجع بزرگی چون آیت‌... طهرانی، خراسانی، مازندرانی، نائینی و محلاتی و... که همگی از علمای طراز اول مقیم نجف بودند با حمایت از سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدا... بهبهانی در جریان نهضت به‌وسیله اعلامیه‌ها، فتاوی و کتب خود، نقش مؤثری در بسیج مردم علیه حکومت استبدادی ایفا نمودند.^۱

پس می‌توان گفت که مراجع، علما و روحانیون شهیر نامبرده، در انتقال حکومت از استبدادی به مشروطه تلاش فراوانی کرده‌اند. البته ایشان نظام مشروطه را در صورت ایجاد تغییراتی مشروع می‌شمردند و آن را به شکل غربی‌اش برای جامعه شیعی ایران مناسب نمی‌دانستند.

آنچه در حکومت مشروطه در کانون توجه قرار می‌گیرد این است که برای کاستن اختیارات و اقتدارات سلطنت از حالت استبدادی مطلقه و برپایی دولت مشروطه و مقیده نیازمند نهادی به نام «قوه مقننه» هستیم.

علامه نائینی در کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» سلطنت را به دو قسم «تملیکیه» و «ولایتیه» منحصر می‌کند تا از این تقسیم بتوان مفردی برای ساخت نهاد مجلس ارائه داد. ایشان می‌گوید: «کیفیت استیلا و تصرف سلطان در مملکت به اعتبار انحصار آن در تملیکیه یا ولایتیه بودن و شق ثالث نداشتن بر یکی از این دو وجه متصور تواند بود: اول آنکه مانند آحاد مالکین نسبت به اموال شخصی خود، با مملکت و اهلیش معامله فرماید. مملکت را به ما فیها مال خود انگارد، اهلیش را مانند عبید و اماء... و تمام قوای مملکتش را قوای قهر و استیلا و شهوت و غضبش داند و برطبق آن برانگیزاند... این قسم از سلطنت را تملیکیه و استبدادیه نامند و استعبادیه و اعتسافیه و تسلطیه و تحکیمیه هم خوانند».^۲

بنابراین در این شق، شخص سلطان قادر به انجام هر نوع تصرف در امور کشوری و احوال اشخاص حقیقی و حقوقی در جامعه است که هیچ حد و حصری برای او تصور نمی‌شود. اما مقام و شأن ولایت به‌گونه‌ای دیگر است: «دوم آنکه مقام مالکیت و قاهریت و فاعلیت ما پیشاء و حاکمیت ما یرید اصلاً در بین نباشد. اساس سلطنت فقط بر اقامه همان وظایف و مصالح نوعیه متوقف، بر وجود سلطنت مبتنی و استیلا سلطنت به همان اندازه محدود و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد مقید و مشروط باشد و (این قسم) چه حقیقت واقعیه و لب آن عبارت است از ولایت بر اقامه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت. نه مالکیت و امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت که قوای نوع است در این مسائل نه در شهوات خود. از این جهت اندازه استیلا سلطنت به مقدار ولایت بر امور مذکوره چه به حق باشد یا به اغتصاب به عدم تجاوز از آن حد مشروط خواهد بود... این قسم سلطنت را مقیده و عادلانه و مشروطه و

۱. امیرمسعود شهرام‌نیا، پارلمان‌تاریسم در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۳.

۲. محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، صص ۳۱-۳۲.

مستوله و دستوره نامند»^۱.

در این نوع سلطنت، اقتدارات حکومت تنها در اموری چون حفظ نظم مملکت در چارچوب مصالح کشور می‌باشد که برخلاف قسم اول سلطان در حکومت خویش مالک نیست، بلکه یک والی مشروطه به قوانین شرعی و عرفی می‌باشد که دارای محدودیت‌های قانونی و اجرایی است.^۲

اما آنچه در این بین نباید فراموش شود این است مشروطه بودن حکومت لزوماً به معنای مشروع بودن آن نیست. این نکته را می‌توان از نامه آخوند خراسانی در پاسخ به مردم خراسان دریافت: «سلطنت غیرمشروعه دو قسم است؛ عادله، نظیر مشروطه... و ظالمه، جابر است؛ مثل آنکه حاکم مطلق یک نفر مطلق العنان خودسر باشد». ایشان در این عبارت کاملاً تصریح کرده است که حکومت مشروطه نیز غیرمشروعه است، اما بلافاصله دلیل انتخاب مشروطه را که از اهم واجبات به شمار می‌آید، چنین بیان کرده است: «به صریح حکم عقل و به فصیح منصوصات شرع، غیرمشروعه عادله مقدم است به غیرمشروعه جابره... و دفع افسد و اقبح به فاسد و به قبیح واجب است».^۳

آیت‌الله نائینی پس از توضیحات خود در مورد دو نوع حکومت به بررسی ویژگی‌های این دو نوع می‌پردازد و طبقات ظلم در هر یک از آنها را تشریح می‌کند و ادعان داشته: «چه دانستی نحوه اولی (سلطنت استبدادیه)؛ هم اغتصاب رداء کبریایی عز اسمه و ظلم به ساحت اقدس احدیت است و هم اغتصاب مقام ولایت و ظلم به ناحیه مقدسه امامت و هم اغتصاب رقاب و بلاد و ظلم درباره عباد است به خلاف نحو ثانیه که ظلم و اغتصابش فقط به مقام امامت راجع و از آن دو ظلم چنانچه بیان کردیم برای اهلس شرعاً ثابت است و با عدم اهلیت متصدی هم از قبیل مداخله غیرمتمولی شرعی است در امر موقوفه که به وسیله نظارت از حیفومیل صیانت شود و با صدور اذن عمن «له ولایت الاذن»، لباس مشروعیت هم تواند پوشید و از اغتصاب و ظلم به مقام امامت و ولایت هم به وسیله اذن مذکور خارج تواند شد و مانند متنجس بالعرض است که به وسیله همین اذن قابل تطهیر تواند بود و (اما) تصرف نحوه اولی به عکس مذکور و ظلمی است قبیح بالذات و غیر لایق برای لباس مشروعیت و صدور اذن در آن اصلاً جایز نیست».^۴ بنابر ضرورت شرعی و عقلی باید تا آنجا که ممکن است از کمیّت و کیفیت ظلم کاسته شود تا حکومت به محور اصلی خود نزدیک گردد. محدود کردن حکام مستبد به قانون اسلامی و نظارت پارلمان منتخب مردم، موجب تقلیل ظلم از سه مرحله‌ای به یک مرحله می‌شود.^۵ همان‌گونه که از توضیحات علامه نائینی پیداست به وسیله قانون الهی و مجلس، ظلم به خدا

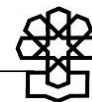
۱. نائینی، همان، صص ۲۲-۲۵.

۲. عزیزا... فضلی و ولی رستمی، تقنین، عرف و مصلحت در اندیشه علمای مشروطه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۱.

۳. حسین نصراللهی، آخوند خراسانی، قانونگذاری، مجلس شورا، ماهنامه زمانه، شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن و اسفند ۹۰، ص ۳۱.

۴. محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، صص ۷۴-۷۵.

۵. عباسعلی عمید زنجانی، حقوق اساسی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸.



احکام) و به ملت برداشته می‌شود و در مورد غصب مقام امامت هم می‌توان از بُعد نظارت و اذن از جانب شخصی که اجازه ولایت و اذن دارد، به رد ظلم و غصب مقام امامت نیز پرداخت. زیرا ایشان در این رساله با توجه به مقتضیات زمان و جو ملتهب زمانه سلطنت مشروطه را مطرح می‌کنند تا حداقل از اطلاق و دیکتاتوری سلطنت استبدادی کاسته شود و بدین جهت وجود «نظارت و اذن» ولی فقیه را در این برهه کافی می‌داند تا مرحله به مرحله حکومت به دست مستحقین واقعی آن برسد و به همین دلیل است که ایشان در دیگر کتب و دروس فقهی خویش به بررسی ابعاد ولایت مطلقه فقیه و به اثبات آن می‌پردازد، اما در این تشنج و تشتت فکری و فعلی حاضر در میان جامعه و حکومت، بحث مشروطیت را مورد کنکاش قرار می‌دهد تا با ایجاد نظام پارلمانی و نظارت فقهی، یکی از ارکان حکومت یعنی قانونگذاری از ید قدرت پادشاهان مستبد رهایی یابد و قوانین الهی و اسلامی توسط صاحبان اصلی آن تصویب گردد و به مرحله اجرا درآید.^۱

علیرغم آنچه تاکنون در مورد تأیید نظام مشروطه و قانونگذاری در این نظام بیان شد برخی دیگر از علما، به صراحت به مقابله با آن پرداختند.^۲

تبریزی صراحتاً در کشف‌المراد عنوان می‌کند: «اگر مقصود از مشروطه آن است که وکلا و مبعوثین در مجلس شورا جمع شده به اتفاق یا به اکثریت آراء، قانونی وضع کرده و اسم او را قانون اساسی بگذارند و این قانون به «اطاق اجرا» فرستاده شود تا برطبق آن عمل شود، این کار خلاف شرع است. از ادله احکام ما، نه شوروی^۳ و نه اکثریت آراء دلیل شمرده شده لکن «اجماع علما که کاشف از قول و رضای معصوم باشد او حجت است، نه اجماع کتابفروش و سبزی‌فروش و بقال و علاف و نعلبند». تبریزی در توضیح دلایل تباین مشروطیت با شریعت، دو استدلال را به کار می‌گیرد: نخست آنکه اگر مقصود وکیلان، اجرای احکام شریعت است پس جمع شدن و مشورت کردن و قانون نوشتن و اکثریت آراء را ملاک قرار دادن خلاف شرع است، زیرا اجرای شریعت محتاج به مشورت نیست؛ دیگر آنکه اگر مقصود وکیلان و مشروطه‌خواهان آن است که با اتکا به اکثریت آراء قانون بنویسند و سپس آن را به اجرا درآورند، آن نیز خلاف شرع است. زیرا شورا و اکثریت آراء از ادله احکام شرعی شمرده نشده و اجماع علما حجت است».^۴

تصور نویسندگان کشف‌المراد این بوده که گویا نمایندگان می‌خواهند در حوزه احکام شرع قانونگذاری کنند، حال آنکه حقیقت مجلس شورای ملی قانونگذاری در حوزه عرف بود. اجماع علما در زمینه مسائل فقهی است و نه مسائل عرفی، تعیین موضوع در حیطه عرف به عهده اهل عرف است و

۱. عزیزا... فضلې، ولي رستمې، تقنين، عرف و مصلحت در اندیشه علمای مشروطه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۲.

۲. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به: میترا مهرآباد، قانونگذاری در اندیشه گروهی از موافقان و مخالفان مشروطه، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۱، ۱۳۸۴، صص ۷۷-۹۳.

۳. منظور شورایی بودن است.

۴. لطف‌ا... آجدانی، علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، نشر اخوان، ۱۳۸۵، ص ۴۲.

علما درباره انطباق یا عدم انطباق آن با شریعت داوری می‌کنند.^۱

شیخ فضل‌الله نوری نیز در رساله «تحریم مشروطه و قانون اساسی» بدین‌گونه به مذاقه در ابعاد قانون اساسی و مجلس می‌پردازد: «اگر مطالب امور عرفیه است این ترتیبات دینی لازم نیست و اگر مقصد امور شرعیه عامه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت، و وکالت در زمان غیبت امام زمان (عج) با فقها و مجتهدین است نه فلان بقال و بزاز و اعتبار با اکثریت آرا به مذهب امامیه غلط است و قانون‌نویسی چه معنا دارد؟ قانون ما مسلمانان همان اسلام است که بحمدالله تعالی طبقه بعد طبقه زوات اخبار و محدثین و مجتهدین متحمل حفظ و ترتیب آن شدند و حال هم حفظه آن بحمدالله تعالی بسیارند. ... جواب این کلمات را بعضی تسویلات و تسویفات می‌دادند تا آن که آن دستور... که مسمی به قانون اساسی است نوشته شد و خواهش تطبیق آن را با قواعد اسلامی نمودند. چون دیدم این طور است به مساعدت جمعی ماده نظارت مجتهدین در هر عصر برای تمییز آرای هیئت مجتمعه اظهار شد».^۲

علت مخالفت شیخ فضل‌الله نوری را با قانون اساسی ننگجیدن این مسائل در شرع است. شیخ با تلقی که از شریعت داشت، تصویب با اکثریت آرا را غیرشرعی و آن را منافی با اقرار به نبوت و خاتمیت و کمال دین می‌دانست... او حتی تصویب قانون مطابق با شرع را از طرف نمایندگان، استحسان عقلی می‌خواند و حرام تلقی می‌کرد، زیرا در فقه شیعه، قوانین مطابق با ادله اربعه یعنی قرآن، حدیث، اجماع، عقل استخراج می‌گردد و استحسان حرام شمرده می‌شود. البته علت مخالفت ایشان بیشتر ناظر به مرحله عمل و واقع بوده است؛ زیرا بیشتر افراد مطرح‌کننده نظریه قانونگرایی و مشروطیت، سینه‌چاکان و دوستداران غرب بودند که هدفشان از وضع نهادی به نام مجلس و ایجاد قانون اساسی، وارد کردن قوانین فرانسوی و بلژیکی بود که بر این قصد بودند که به تدریج قوانین شرعی را از حوزه قانونگذاری خارج کنند و قوانین غربی را کاملاً جایگزین قوانین شرعی نمایند.^۳

همان‌گونه که سابقاً بیان شد قانونگذاری موافقینی نیز داشته است. شمس کاشمیری نیز در «کلمه جامعه» در رساله‌ای که به دفاع از مشروطه نوشته است فلسفه قانونگذاری را از تفکیک امور معاشی و معادی آغاز می‌کند. از نظر او خداوند «در امور معاشیه و رسومات معموله یک قانون کلی وضع فرموده و جزئیات را در تحت کلیات اوامر مقدسه مندرج و انتظام و ترتیب جزئیات را تفویض به عقل عقلا و علم علما و اهل خبرت و سیاست کرده ...».^۴

ملا عبدالرسول کاشانی نیز برطبق قاعده «کلما لم یقدر بقدر، فالحکم فیہ العرف» میزان بسیاری از احکام را؛ بالاخص در مقام قضا و جزا برعهده «اهل خبره» می‌دانست، مشروط بر آن که حدود آن در

۱. حسین آبادانیان، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۱۶۲.

۳. عزیزالله فضل‌الله، ولی رستمی، تقنین، عرف و مصلحت در اندیشه علمای مشروطه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۸.

۴. شمس کاشمیری، میرزا یوسف، «کلمه جامعه»، در رسائل مشروطیت، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۴، ص ۶۰۶.



شرع مشخص نشده باشد. از دیدگاه وی در بیان و حتی وضع برخی قوانین می‌توان به همین «قاعده مبارک کلی» دستاویز شد.

از طرف دیگر بنا بر قاعده «کَلِمَا حُكِمَ بِهِ الْعَقْلُ حُكِمَ بِهِ الشَّرْعُ» و یا بالعکس، می‌توان به وضع برخی قوانین دست یازید، بالاخص با توجه به این که پیامبر (ص) فرمود: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الْخَطَا» می‌توان به مشروعیت قانونگذاری با اجماع اهل عرف صحه نهاد. پس قانونگذاری بشری مذموم نیست و تعارضی با شریعت ندارد، زیرا قاعده کلی وضع قانون به شرطی «که مخالف با قانون صریحی از شرع نباشد» مانع از ایجاد تعارضی بین دو مقوله شرع و عرف نمی‌شود.^۱

از جمله راه‌های دیگری که تعارض میان شرع و قانون را رفع می‌کند تقسیم‌بندی قواعد و قوانین به دو بخش شرعی و عرفی است. این تقسیم‌بندی که از یادگارهای زمان مشروطیت است خود منبعث از احکام ثابت و متغیر است. البته باید اشعار داشت که منظور از قوانین عرفی به معنای خروج از قوانین الهی و شرعی نیست، بلکه این قوانین در دایره شریعت‌اند، اما به لحاظ عدم اندراج آنها در قالب منصوصات دینی، مسمی به عرفیه و نوعیه می‌باشند که از جهت غیرمنصوص بودن، از مننه و امکانه مختلف دچار تغییراند و به تناسب همان موقع و موضع تأسیس می‌گردند.^۲

یکی از ابتکارات میرزای نائینی مشروعیت بخشیدن به قلمرو اجتماعی از طریق تقسیم قوانین به ثابت و متغیر بود. البته فقهای پیشین احکام را به اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی کرده بودند ولی نگرش آنها به احکام ثانویه محدود به مسائل فردی بود. ایشان احکام ثانویه را به پهنه ضرورت‌های کلان جامعه و سیاست کشاند و دایره قوانین ثابت را ضیق و دایره قوانین متغیر را گسترده داشت.^۳

پس از تقسیم قوانین به شرعیه و عرفیه، باید برای تنظیم قوانین عرفیه و مصالح نوعیه در باب امور مربوط به حفظ نظام و طرد ظلم و استبداد و نظم‌دهی شئون سیاسی و حکومتی، ساختاری طراحی می‌شد که نظریات، ایده‌ها و اندیشه‌های مطرح شده در این باب از سوی علما ابتر باقی نماند. از دیدگاه میرزای نائینی:

گام اول در این زمینه وضع قانون اساسی است که باید حاوی میزان قدرت شاه و آزادی ملت و حقوق افراد و تکالیف آنها باشد و مشروعیتش مبتنی بر عدم تغایر با احکام شرعی و مطابقت با موازین اسلامی باشد.^۴

گام دوم نیز عبارت است از تأسیس مجلس شورای ملی که وظایف آنان تحفظ و صیانت از قانون اساسی و نظارت در اجرای وظایف و عدم تعدی و تفریط بوده که البته همه اینها منوط به وجود قانون

۱. حسین آبادانیان، مباحث نظری حکومت مشروطه و مشروعیت، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۹۰.

۲. عزیزا... فضلی، پیشین، ص ۴۶.

۳. محمد نوری، روش‌شناسی علمی میرزای نائینی در عرصه سیاست، در مجموعه مقالات سیری در آرا و اندیشه‌های نابغه بزرگ شیعه حضرت آیت‌ا... نائینی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، ۱۳۷۹، ص ۵۱۹.

۴. محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۳۷.

اساسی است که تکالیف در آن مشخص و معین شده باشد والا به گفته ایشان «مانند محمول بلا موضوع و از قبیل سر بی صاحب تراشیدن خواهد بود».

گام سوم نیز در این فرآیند مستقر است که میرزای نائینی آن را جداگانه متمایز نکرده ولی به توضیح آن پرداخته است:

«مشروعیت نظارت هیئت منتخبه مبعوثان بنابر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور متبع دانسته‌اند و به نفس انتخاب ملت، متحقق است و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود. اما بنابر اصول طایفه امامیه که این‌گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عصر غیبت ... می‌دانیم اشمال هیئت منتخبه بر عده‌ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبل مجتهدی و تصحیح و تنفیذ و موافقتشان در آرای صادره برای مشروعیتش کافی است».^۱

تأکید مرحوم نائینی بر عدم کفایت قانون اساسی در مشروعیت نسبی نظام و اعتقاد وی مبنی بر لزوم برپایی شورای نظارت (هیئت مسدده) حاکی از آن است که وی در صدد تبیین حداقل حکومت مشروعی است که بتوان آن را از باب دفع افسد جایگزین حکومت استبدادی کرد.^۲

آنچه لازم است بیشتر مورد توجه قرار گیرد این است که پارلمان و مجلس در برداشت اسلامی و نیز علمای مشروطه مبتنی بر اصل مشورت بوده و نهادی برای قانونگذاری در حیطه شرع است. در حالی که در تلقی غربی‌ها و روشنفکران غربگرا، مبنای شکل‌گیری پارلمان، حاکمیت ملت و قرارداد اجتماعی است و قانونگذاری نیز صرفاً بر همین اساس و بدون مشروط بودن به شرع انجام می‌پذیرد. میزان استقلال پارلمان در برداشت علما بسیار محدودتر از برداشت غربی است، چرا که در نظام غربی، پارلمان کاملاً مستقل و دارای حاکمیت است و می‌تواند براساس نیازهای مردم به جعل قانون بپردازد ولی پارلمان در برداشت اسلامی نه تنها استقلال کامل ندارد، بلکه در جعل قانون اساسی بایستی تنها در محدوده غیرمنصوصات و به شرط عدم مغایرت با اصول اسلامی صورت پذیرد.^۳

آیت‌ا... نائینی دو اصل قانون و نظارت ملی را تنها مانع تبدیل سلطنت شوریه به تملیکیه می‌دانست و معتقد بودند نظارت‌پذیری حکومت اسلامی به‌خاطر این است که در اسلام، فرمانروایان در برابر مردم مسئول‌اند نه مالک، محدود و مقید به قوانین شرعی و عرفی و مصلحت عمومی هستند نه مطلق‌العنان.^۴

همان‌گونه که بیان شد، در عصر مشروطیت با تلاش فراوان مشروطه‌خواهان و خصوصاً علمای اعلام سعی شد تا مسیر تازه آغاز شده قانونگذاری در ایران مطابق با تعالیم شرعی و اسلامی صورت گیرد. بر همین اساس ضمن پذیرش حکومت مشروطه و مجلس قانونگذاری، لزوم تطابق قوانین با شرع

۱. همان، ص ۲۸.

۲. عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۷۸.

۳. امیرمسعود شهرام‌نیا، پارلمانتاریسم در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۱.

۴. احمد بهشتی، قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی، در مجموعه مقالات سیری در آرا و اندیشه‌های نابغه بزرگ شیعه حضرت آیت‌ا... نائینی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، ۱۳۷۹، ۴۳۳.



و نظارت هیئتی از مجتهدین بر مصوبات مجلس پیش‌بینی شد.^۱

ب) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، گفتمانی جدید در عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها نمایان شد و پس از چند قرن حاکمیت گفتمان سکولاریسم و دین‌گریزی بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد جهان، موضوع اداره جامعه و حکومت براساس تعالیم الهی و دینی و آموزه‌های وحیانی مطرح شد. در حقیقت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران طلایه‌دار رنسانس دیگری در جهان بود. با این تفاوت که در رنسانس قرن شانزده و هفده اروپا، بشر با روی گرداندن از آموزه‌های آسمان تلاش کرد که همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را براساس آموزه‌های عقلی و تجربی سامان دهد، اما در رنسانس قرن بیستم ایران، انسان با رویکرد دوباره به آسمان، تلاش بزرگی را برای سامان دادن همه مناسبات خود بر مبنای کتاب خدا و سنت معصومان (ع) آغاز کرد.^۲

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سقوط نظام سلطنتی، مهمترین مانع در راه تحقق خواسته ملت ایران در زمینه استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی از میان رفت، اما برای تحقق عینی این خواسته لازم بود که رهبران انقلاب براساس سازوکارهای پذیرفته شده در جهان، نظام حکومتی که هم دارای مشروعیت باشد و هم دارای مقبولیت مردمی بنیان گذارند.

از این رو حضرت امام (ره) در همان اوایل و در اولین گام پیروزی انقلاب موضوع برگزاری رفراندوم برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی را مطرح کردند. در این میان عده‌ای از غریب‌دگان زمزمه تشکیل جمهوری دمکراتیک یا جمهوری دمکراتیک اسلامی را سر دادند، اما امام خمینی (ره) با قاطعیت اعلام کردند که خواسته مردم تشکیل جمهوری اسلامی است، «نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم».^۳ سرانجام همه‌پرسی جمهوری اسلامی، در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد و ۹۸/۲ درصد مردم ایران به تشکیل نظام جمهوری اسلامی رأی «آری» دادند.

دومین قدم در راه اجرای احکام اسلامی در ایران، تشکیل «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» یا «مجلس خبرگان قانون اساسی» در ۲۸ مردادماه همان سال و در پی آن تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود.

امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت افتتاح این مجلس، نکاتی را که خبرگان ملت باید در بررسی پیش‌نویس قانون اساسی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار دهند، یادآور شده و در خصوص ماهیت آن بر این نکته تأکید کردند که «قانون اساسی و سایر قوانین در این

۱. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه.

۲. ابراهیم شفیع‌ی سروستانی، قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵، ص ۱۷.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۶۵.

جمهوری باید صد درصد براساس اسلام باشد»^۱. خبرگان قانون اساسی نیز با نصب‌العین قرار دادن توصیه‌های امام امت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که به تعبیر حضرت امام «یکی از ثمرات عظیم و بلکه بزرگترین ثمره جمهوری اسلامی است» سرانجام در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ با اکثریت دوسوم تصویب کردند که در همه‌پرسی ۱۲ آذر همان سال با ۹۹/۵ درصد آرا مورد تأیید ملت ایران قرار گرفت. پس از تصویب قانون اساسی حضرت امام (ره) آن را تأیید کرده و در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۷ در پاسخ به نامه شماره ۸۴ مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۴ رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، می‌نویسند: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به‌وسیله نمایندگان محترم ملت ایران که اکثر آنان از علمای اعلام و حجج اسلام و مطلعین به احکام مقدسه اسلام بودند، تهیه و به تصویب اکثریت ملت معظم رسیده، امید است ان‌شاء... با اجرا و عمل به آن، آرمان‌های اسلامی برآورده شود و تا ظهور حضرت بقیه... ارواحنا فداه باقی و مورد عمل باشد».

با تصویب قانون اساسی مهمترین قدم در راه پیاده شدن احکام اسلامی و تحقق خواست مردم برداشته شد و همان‌طور که در مقدمه آن تصریح شده است، چارچوب کلان اداره جامعه «براساس اصول و ضوابط اسلامی» ترسیم گردید. در اصول متعددی از قانون اساسی از جمله اصل چهارم، هفتادودوم، نودویکم، نودوچهارم، نودوششم، بر لزوم تدوین کلیه قوانین و مقررات براساس موازین و احکام اسلامی و عدم مغایرت با اصول و احکام مذهب رسمی کشور تأکید شده و با تعیین «شورای نگهبان» ضمانت اجرایی لازم برای تحقق این موضوع پیش‌بینی شده است.

فصل دوم - قانون و قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران

تعریف قانون

قانون در لغت در معانی گوناگونی آمده است از آن جمله: رسم، دستور، مقیاس، سؤال، طرز و... و در اصطلاح به ضابطه‌ای کلی گفته می‌شود که بر افرادی منطبق و حکم همه آن افراد از آن ضابطه شناخته می‌شود.^۲ لفظ قانون در دو معنا به‌کار گرفته می‌شود:

۱. **اعتباری، وضعی و قراردادی:** مفاد آن جمله‌ای است که صراحتاً یا الزاماً دلالت بر امر یا نهی‌ای دارد.

۲. **حقیقی و تکوینی:** حکایت از یک ارتباط نفس‌الامری می‌کند که سروکار با اعتبار و قرارداد

ندارد.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۹، صص ۳۱۰-۳۰۸.

۲. ابوالقاسم گرچی، حکومت در اسلام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۱۹۹.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴.



قانون مجموعه قواعد و مقرراتی است که از طرف مقامات صالحه و مراجع مفترض الطاعه وضع و اعلام می‌شود و موضوع آن حقوق و تکالیف افراد بشر است. مدلول قانون، التزام یا اذن یا اباحه بوده و غایت آن ایجاد نظم و ترتیب در اعمال و اقوال و روابط افراد و اجتماعات و جلوگیری از خودکامگی و زورگویی و نیرنگ و نفاق و جنگ و قتال است. همه باید از قانون اطاعت کنند و متخلف از قانون دچار عواقب آن خواهد شد. اعتبار قانون به ضمانت اجرای آن است و بی‌گمان بهترین ضمانت اجرا ایمان به عدالت قانون است. قانون تعیین می‌کند که چه کاری باید انجام یا ترک شود و مرتکب فعلی که ترک آن لازم است مستوجب چه نوع مجازاتی است، مجازاتی که به حکم عقل و عدل مقرر و اجرا شود.^۱

قانون در اصطلاح حقوقی در دو معنای شکلی و ماهوی قابل تعریف است. قانون در معنای شکلی عبارت است از: «آنچه که نهاد قانونگذار (پارلمان) در یک نظام حقوقی با توجه به ضوابط مندرج در قانون اساسی تصویب می‌کند».^۲

امام قانون در معنای ماهوی عبارت است از: «قاعده‌ای حقوقی (یعنی عام، دائمی، الزام‌آور و برخوردار از ضمانت اجرا)^۳ که از سوی مراجع صلاحیتدار به تصویب رسیده است».

قانون در اصطلاح حقوقی، در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود.

قانون در مفهوم عام هر نوع قاعده حقوقی است که به صورت گزاره‌ای مکتوب به وسیله یک مقام صلاحیتدار اعم از قوه مقننه یا غیر آن همچون مجلس مؤسسان، هیئت دولت یا هر یک از وزیران وضع می‌شود. قانون در مفهوم عام، شامل سلسله‌مراتبی از مهمترین تا کم‌اهمیت‌ترین مرتبه است که معمولاً در مرتبه اول، قانون اساسی قرار دارد که مرجع ایجاد آن مجلس خبرگان یا مؤسسان است.

در مرتبه دوم قانون عادی است که به وسیله مجالس قانونگذاری کشورها وضع می‌شود.

در مرتبه سوم مصوبات قوه مجریه قرار دارد که شامل تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هاست. در مرتبه دیگر هم آرای وحدت رویه قرار دارد که در مقام تعارض دو رأی متفاوت درباره موضوعی خاص، دیوان عالی کشور رأی صادر می‌کند و از آن به بعد ملاک عمل دادگاهها قرار می‌گیرد و در حکم قانون است.^۴

قانون در مفهوم خاص، به آن بخش از قواعد حقوقی اطلاق می‌شود که از سوی قوه مقننه و با

تشریفات خاص وضع می‌شود.^۵

تعاریفی از قانون که ارائه شد، تعاریف مرسوم است که در مورد قانون مطرح می‌شود و در نظام

۱. علی‌پاشا صالح، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۳.
۲. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ص ۶۸.
۳. ناصر کاتوزیان، کلیات حقوق (نظریه عمومی)، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶، همچنین: محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱، ص ۳۶.
۴. سید فضل‌... موسوی، «چرایی تصویب یک قانون و زمان مناسب آن». مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۲۲.
۵. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰.

حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز قانون در همین معانی به کار می‌رود. اما نکته حائز اهمیت این است که مفهوم قانون در جوامعی که صرفاً به وسیله افراد جامعه اعتبار و مشروعیت می‌یابد (جوامع با حاکمیت غیردینی) با قانون در جوامعی که بر مبنای دین تدبیر می‌شود، تفاوت جوهری و اساسی دارد. در اولی اراده مؤثر و مشروع در وضع قواعد، اراده مردم است که بر اساس حاکمیت بر سرنوشت خود می‌توانند مباشرة یا غیرمباشراً اقدام به وضع قوانین کنند، اما در جوامع دینی - خصوصاً در جمهوری اسلامی ایران - حاکمیت بر انسان و جهان از آن خداوند است و البته هموست که انسان را حاکم بر سرنوشت خود قرار داده است؛ یعنی حاکمیت انسان بر سرنوشت خود در طول حاکمیت خداوند بر انسان و جهان قرار دارد و نه در عرض آن. در واقع در جمهوری اسلامی ایران این «مردم‌سالاری دینی» است که می‌تواند نقش و جایگاه مردم را در حکومت اسلامی بیان کند.

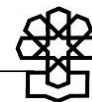
مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران

برای دریافت مفهوم قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران لاجرم باید ماهیت جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد. تفاوت اساسی در ماهیت قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران و در سایر نظام‌های غیردینی، علیرغم شباهت‌هایی که در ظاهر ساختارها که اقتضای نظام جمهوری است وجود دارد مربوط به ماهیت این نظام است که ماهیتی اسلامی است. مردم‌سالاری حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، دینی و مبتنی بر تعالیم دین مبین اسلام است و از همین رو است که خواست و اراده مردم نه مستقلاً بلکه در سایه‌سار تعالیم دین می‌تواند در عرصه‌های گوناگون حکومت از جمله قانونگذاری مؤثر باشد.

الگوی نوین مردم‌سالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن از آفات نظام‌های بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاولگران و از غرقه شدن در وادی مادپرستی و اباحیگری و دور افتادن از معنویت مبرا گردد و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم‌گرایی را در عمل تخطئه کند.^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی با استناد به مکتب امام خمینی (ره) دومین عنصر حاکمیت را بعد از اسلام، مردم می‌دانند و معتقدند: «تقریباً در همه نظام‌های حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می‌شود و هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیم‌های استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف میل مردم عمل کنم. بنابراین ادعای مردم‌گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و منزلت و حق و نقش قائل می‌شوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر مردم در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱.



خود قرار داد»^۱.

مردم‌سالاری دینی به معنای آن است که کل نظام سیاسی و متصدیان نظام سیاسی ازسوی مردم باشند. به عبارت دیگر تصمیم مردم، عواطف مردم، ایمان مردم، عشق مردم، احساس مصلحت‌جویی مردم، همه در نظام سیاسی اشتراک پیدا کند. البته پایه مشروعیت حکومت فقط رأی مردم نیست. پایه اصلی تقوا و عدالت است؛ منتها تقوا و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارآیی ندارند. لذا رأی مردم هم لازم است. اسلام برای رأی مردم اهمیت قائل است. فرق بین دموکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی همین است.^۲

در نتیجه سیاست تقنینی هم باید برمبنای خواسته‌ها و مصالح مردم باشد. زیرا مردم پایه و اساس حاکمیت اسلامی هستند و تحقق نظام اسلامی به خواست و اراده عملی آنها بستگی دارد در ضمن ادامه و کارآیی حاکمیت هم به افکار عمومی جامعه بستگی دارد و در صورت وضع مقررات غیرکارشناسی شده و متعارض با خواست عمومی، دستگاه تقنینی اولاً دچار طرد و مسکوت شدن قوانین می‌شود و ثانیاً علاوه بر ازدیاد کمی قانون‌شکنی و سرکوب اجتماعی در جامعه، ارزش‌های مورد نظر قانونگذار از ارزش ذاتی می‌افتد اگر چه آن ارزش فی‌نفسه مفید بوده ولی در چارچوب مورد نظر قانونگذار نتیجه معکوس داده است.^۳

ولایت فقیه و قانون

بنابر تعالیم اسلام حق قانونگذاری منحصر در خداوند متعال است و هیچ‌کس حق قانونگذاری را ندارد مگر مأذون ازسوی خداوند متعال باشد.^۴ چرا که براساس ربوبیت تشریحی، قانونگذار در اصل باید خدا باشد و در عرض او کسی حق تقنین ندارد.^۵ البته در طول خداوند متعال و با اذن او دیگران نیز این حق را می‌یابند که در این صورت اعتبار قانون، به‌خاطر اذن خداوند متعال به مقنن است.^۶ خداوند متعال به پیامبر (ص) و ائمه علیهم‌السلام اذن تقنین داده است.^۷ آنها نیز براساس هوا و هوس خود

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورخ ۱۴/۳/۱۳۸۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۲۹/۹/۱۳۸۲.

۳. محمد مهدی غمامی، قانون و قانونگذاری از دیدگاه متفکران شیعه، مقاله قانون و قانونگذاری در اندیشه مقام معظم رهبری، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۸۸.

۴. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: ماهیت قانون (۲)، مفهوم قانون در اسلام، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، شماره مسلسل ۱۴۱۷۹، ۱۳۹۳، صص ۱۳-۱۸.

۵. سوره نحل، آیه ۱۱۶: و به سبب دروغی که زبانتان گویای به آن است، نگویید: این حلال است و این حرام، تا به دروغ به خدا افترا برنیزد [که این حلال و حرام حکم خداست]؛ مسلماً کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، در هیچ کاری پیروز نخواهند شد.

۶. سوره یونس، آیه ۵۹: بگو: به من خبر دهید که آنچه خدا از رزق شما نازل کرده و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال کردید. بگو: آیا خدا این حرام و حلال کردن را به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید؟!

۷. سوره نساء، آیه ۵۹: ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و خانوادگی و اجتماعی و جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. سوره نساء، آیه ۸۰: هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش

عمل نمی‌کنند و الهام و وحی منشأ سخن آنهاست.^۱ حدیث ثقلین و امثال آن نیز حاکمیت ائمه علیهم‌السلام را تثبیت می‌کند. حال اگر ایشان در زمان خود فردی را به‌عنوان امارت و حکمرانی بر منطقه‌ای از بلاد اسلامی تعیین می‌فرمودند، اطاعت او بر مردم آن دیار واجب می‌شد. در زمان غیبت نیز چنین است و ادله ولایت فقیه افرادی را مأذون در حکومت معرفی می‌کند که در نتیجه اطاعت از آنها واجب می‌شود. باید دانست که حاکمیت آنها منافاتی با ربوبیت تشریحی الهی ندارد، بلکه شأنی از شئون ربوبیت الهی است. اطاعت از والی و ولی فقیه اطاعت از پیامبر و ائمه و در نتیجه اطاعت از خداوند است و مخالفت با آن نیز به مخالفت با خداوند متعال باز می‌گردد.^۲ در مجموع، خداوند متعال حق ربوبیت تشریحی بر انسان دارد و لذا باید به سراغ قوانین او رفت و سپس به قوانین افراد مأذون از سوی او رجوع نمود. اجرای قوانین نیز باید با دستور او باشد چراکه نوعی تصرف در افراد است و تصرف در بندگان بدون اذن مولا جایز نیست.^۳

امروزه پس از پیروزی انقلاب اسلامی سخن در مورد جایگاه فقها و علما در حکومت اسلامی است. در مورد فقیهان یک عصر، دو فرض وجود دارد:

فرض اول - یک فقیه، اعلم از دیگران در رهبری و ملکاتی که مربوط به رهبری است، اتقی و اعلم است، مدیریت است، مدبرتر، سیاستمدارتر، بینش سیاسی - اجتماعی‌اش بیشتر است. در این فرض برابر ضوابط اسلامی او در عصر غیبت به نحو «تعیین» برای رهبری منصوب گردیده است. البته به نصب عام نه نصب خاص.

فرض دوم - هیچ یک از فقیهان عصر اعلم و افقه و اعدل از دیگران نباشد و همگی همتای هم باشند. در مسائل رهبری، فقهی و تقوایی.

در این حالت یک مسئله کلامی و دو مسئله فقهی وجود دارد.

مسئله کلامی آن است که به‌وسیله عقل یا نقل ثابت می‌شود که خداوند سمت رهبری را برای عنوان فقیه جامع شرایط که قابل انطباق بر هر کدام از آنان است نصب فرموده است. اما دو مسئله فقهی یکی این است که تصدی این سمت بر آنان واجب کفایی است و بر هیچ یک واجب عینی نیست. مسئله دیگر فقهی آن است که پذیرش ولایت یکی از این فقیهان بر مردم «واجب تخییری» است نه واجب «تعیینی».

بنابراین با تصدی یک فقیه از دیگران ساقط است. چه اینکه امت با رجوع به یک فقیه به دیگران

با ماست. [ما تو را بر آنان مسئول [اعمالشان که به‌طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم. ۱. سوره نجم، آیه ۳ و ۴؛ و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گویند. گفتار او چیزی جز وحی که به او نازل می‌شود نیست.

۲. محمدتقی مصباح بزدی، نظریه سیاسی اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰، صص ۲۳۶-۲۳۸.

۳. همان، ص ۲۴۲.



رجوع نخواهند کرد، زیرا هرج و مرج باطل است.

در مسئله مرجعیت، تعدد مراجع محذوری ندارد ولی در کشورداری، در جنگ و صلح و مانند آن کشور باید با وحدت رهبری اداره شود. نه اینکه إرباً إرباً بشود و چند رهبر و حاکم در کشور حکمفرما باشند.^۱ البته هر فقیه جامع‌الشرایط می‌تواند در موارد شخصی محجوران که قانون رسمی کشور برخلاف آن نباشد دخالت یا اعمال ولایت کند. ولی در کارهای کلان کشور نه دخالت رواست و نه اعمال ولایت صحیح است و همچنین هر فقیهی در کارهای شخصی خود باید قوانین و مقررات رسمی کشور را رعایت کند و هیچ یک از آنان را عملاً نقض نکند.

بنابراین در امور رسمی کشور فقیهان نیز مانند دیگران، مشمول ولایت والی اسلامی می‌باشند اگر چه تقلید بر آنان حرام است و پیش از متصدی شدن یک فقیه، همگان در این سمت متساوی‌الاقدام و هم‌تای یکدیگرند. مثلاً اگر قانون کشور بر این است که برای رفتن به مکه همگان باید گذرنامه بگیرند، هیچ فقیهی نمی‌تواند بدون پاسپورت به مکه برود. در مقررات راهنمایی و رانندگی و دیگر موارد نیز همین گونه است.^۲

ولایت غیر خداوند بر انسان یعنی ولایت فقیه بر جمهور مردم از سنخ ولایت تکوینی معصوم نیست، گرچه ظاهر برخی از ادله نقلی آن است که خود انسان تحت ولایت فقیه عادل است، مانند مقبوله عمر بن حنظله «جَعَلْتُهُ عَلَیْكُمْ حَاكِمًا»^۳ که خطاب به ذوات انسانی است، یعنی من فقیه جامع‌الشرایط حکومت را حاکم بر «شما» قرار دادم و نظیر آیه ۵۵ سوره مائده^۴ و آیه ۶ سوره احزاب^۵ که همگی محور ولایت تشریحی را ذوات آدمی معرفی می‌کنند، لکن طبق ظاهر بعضی از ادله نقلی دیگر، آنچه مدار ولایت تشریحی والیان دینی است، همانا شئون و امور جامعه است نه خود ذوات

۱. عبدا... جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، نشر اسراء، ۱۳۷۹، صص ۳۹۱-۳۹۲.

۲. همان، صص ۳۹۹-۴۰۰.

۳. از عمر بن حنظله روایت شده که امام صادق (ع) از دو مرد از اصحابمان که بین آنان درباره دین یا میراث نزاعی رخ داده بود و محاکمه را به نزد سلطان یا قاضی بردند و پرسش کردم که آیا چنین کاری حلال و رواست؟ حضرت فرمود: «کسی که در مورد حق یا باطلی محاکمه را به نزد آنان (حکام جور) ببرد، بی‌گمان محاکمه به نزد طاغوت برده و آنچه به نفع او حکم شود، گرفتن آن حرام است، اگر چه حق برای وی ثابت باشد، چرا که آن را توسط حکم طاغوت بازپس گرفته است، در حالی که خداوند متعال دستور فرموده است که به آن کفر بورزند. خداوند فرموده است: «اینان می‌خواهند محاکمه به نزد طاغوت ببرند، با اینکه مأمور شده‌اند که به آن کفر بورزند». عرض کردم پس چه باید بکنند؟ فرمود: نظر کنند در میان شما آن کس که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما ابراز نظر می‌کند و احکام ما را می‌شناسد، وی را به‌عنوان حکم قرار می‌دهند، چرا که من او را حاکم شما قرار دادم، پس آنگاه که به حکم ما حکم کرد و از وی نپذیرفتند بی‌گمان حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده‌اند و کسی به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است.»

محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۲، ص ۲۲۱.

۴. سوره مائده، آیه ۵۵: سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی‌طالب‌اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می‌دهند.

۵. سوره احزاب، آیه ۶: پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است و همسرانش مادران آنانند و برطبق کتاب خدا دارندگان قرابت نسبی [در میراث بردن] از یکدیگر از مؤمنان و مهاجران [که پیش از این برپایه ایمان و هجرت میراث می‌بردند] سزاوارترند، مگر اینکه بخواهید [در وصیت کردن به پرداخت ارث] درباره دوستانتان احسان کنید که این امری ثبت شده در کتاب [خدا] است.

انسانی، زیرا آیه ۵۹ سوره نساء^۱ این است که رهبران الهی، ولیّ امر امت هستند، نه ولی گوهر هستی آنها. نیز آنچه از سخنان حضرت علی (ع) بر می‌آید، آن است که «رهبر دینی» کسی است که به امر مسلمین و شأن اداره جامعه سزاوارتر باشد: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»^۲ (ای مردم همانا سزاوارترین مردم به این امر قدرتمندترین آنان بر آن و داناترینشان به امر خدا است در آن است) که منظور از «هذا الامر» همان تدبیر جامعه و اداره امور امت است نه سیطره بر ذوات آنها.

پس دو رکن رکین را همواره باید در مرئی و مسموع قرار داد:

اول آنکه محور ولایت فقیه عادل، شأن جامعه اسلامی است نه ذوات مردم و گوهر هستی آنان، **دوم** اینکه مدار ولایت فقیه عادل، شأن تمام افراد جامعه حتی خود فقیه عادل است، زیرا آنچه والی اسلامی است، شخصیت حقوقی فقاقت و عدالت است و آنچه «مولی علیه» است شأن امت می‌باشد که خود فقیه نیز جزء احاد امت خواهد بود.

امر و شأن امت دو قسم است که یک قسم از آن با مشورت خود مردم تأمین می‌شود و آیه «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۳ ناظر به آن است. زیرا این قسم، امر خود آنان است، مانند مباحات و موارد تخییر و... . قسم دیگر امور امت، به ولایت فقیه عادل وابسته است که از این رهگذر، او «ولی امر» محسوب می‌شود و جزء «اولوالامر» خواهد بود. مواردی که تفکیک آنها سهل نیست، براساس آیه سوره آل عمران عمل می‌شود که (و در امر با آنان مشورت کن پس هر گاه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن همانا خداوند او توکل کنندگان را دوست دارد).^۴

نتیجه اینکه والی در نظام اسلامی کسی است که در مرتبه نخست، حافظ عقاید و اخلاق دینی مردم و حافظ احکام فقهی آنان باشد و در مراتب نازله نیز حافظ آب و خاک اجتماع و تأمین‌کننده منافع طبیعی شهروندان باشد. بنابراین اگر چه مردم مسلمان می‌توانند برای تأمین منافع مادی کشور خود شخص یا اشخاصی را به‌عنوان رئیس‌جمهور و نماینده مجلس و... وکیل کنند، اما در بخش مهم مسئولیت نظام و حاکم اسلامی که برتر از آب و خاک است و به حفاظت دین بر می‌گردد و در امور اختصاصی امام است و در اختیار مردم نیست، امکان وکالت وجود ندارد.

امام رضا (ع) در روایت فضل بن شاذان، حکومت را تنها برای حفاظت از خون و ناموس مردم یا

۱. سوره نساء، آیه ۵۹: ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر (ص) دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و خانوادگی و اجتماعی و جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

۳. سوره شوری، آیه ۲۸: و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان برپایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم انفاق می‌کنند.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۵. عبدا... جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، نشر اسراء ۱۳۷۹، صص ۱۳۵-۱۳۶.



جلوگیری از هرج و مرج معرفی نمی‌کند. ایشان می‌فرمایند: اگر خداوند برای مردم امام و قیّم و حافظ امینی قرار نمی‌داد، دین از میان می‌رفت و سنن و احکام الهی تغییر می‌یافت و بدعت‌گذاران، دین را تحریف می‌کردند و ایمان مردم متبدل می‌گشت و همه خلق به فساد کشیده می‌شدند.^۱

خلاصه اینکه نمی‌توان به بهانه نیازهای حکومتی و جامعه اسلامی در محدوده امور مربوط به ذات الهی دخالت کرد، بلکه تنها در حدود امرالناس اجازه وضع مقررات داده شده و آن هم عبارت است از تعیین راه‌های اجرای قوانین تشریحی دینی از یکسو و ترجیح و اعلام دستورات با مصلحت بیشتر در موارد تزامم ازسوی دیگر.

در مورد روش وضع مقررات اجرایی نیز باید گفت در آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۲ اگر حکم عامی باشد این است که مؤمنین در امور مربوط به خود مشورت می‌کنند و استدلال به این آیه بر مسئله حکومت و رهبری وقتی صحیح است که نخست اثبات شود که امر حکومت از زمره امور مردم است.

ازسوی دیگر آیه «و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد»^۳ نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری نهایی برعهده خود آن حضرت است و مشورت، جنبه مقدماتی و کارشناسی و موضوع‌شناسی و مانند آن دارد. ولی در سوره شوری می‌فرماید: محدوده مشورت، امرالناس است نه امر... قانون، قضا و حکم، امر... است و مشورت‌پذیر نیست. اینکه چه چیزی حلال است و چه چیزی حرام و چه چیز واجب، این امور تنها به اراده خداست و با قرآن و سنت از یکسو و عقل برهانی ازسوی دیگر روشن می‌شود.^۴

از دیدگاه اسلام، حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول... (ص) و یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج می‌باشد. با این نگرش، ولی فقیه حافظ منافع مسلمین درخصوص اداره کشور، تأمین نیازها و خدمات عمومی، حفظ صلح و امنیت اجتماعی و نیز ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل خود بوده و از اختیارات وسیعی مانند حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) برخوردار است. از آنجایی که انجام همه امور از عهده یک فرد خارج است، این امور گوناگون را نهادهای مختلفی به‌عنوان نمایندگان و بازوان ولی فقیه در جامعه اسلامی زیر نظر او انجام می‌دهند.

ازجمله این نهادها در عرصه تقنین، مجلس شورای اسلامی است.^۵ که مطابق قانون اساسی، در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ. ق ج ۶، ص ۶۰.
جوادی آملی، پیشین، ۱۳۷۹، صص ۴۰۹-۴۱۱.

۲. سوره شوری، آیه ۲۸.

۳. سوره آل‌عمران، آیه ۱۵۹.

۴. میثم صدافت‌زاده، قانون و قانونگذاری در آرای اندیشمندان شیعه، مقاله قانون و قانونگذاری در اندیشه آیت‌الله... جوادی آملی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، صص ۲۱۴-۲۱۷.

۵. اصل هفتادویکم قانون اساسی.

از آنجایی که تفکر اسلامی مبتنی بر ولایت الهی است، لذا ولایتی که نمایندگان مجلس در قانونگذاری دارند نیز ریشه در ولایت الهی دارد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «تفکر اسلامی بر مبنای یک پایه محکم، برخاسته از ولایت ا...، با شیوه مشخص و تدوین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی که خدای متعال به انسان‌ها حق داده که یک حقی را به کسی بسپرنند، بنا شده که بگویند آقا! شما بیا برای ما این کارها را انجام بده. مردم هم این حق را در آرای خودشان در مجلس، در ریاست جمهوری، در آن چیزهایی که به آرای مردم وابسته است، به افراد می‌دهند. بنابراین پایه مردم‌سالاری دینی این است؛ یعنی یک پایه اصیل و عمیق که حقیقتاً مورد اعتقاد است»^۱. از دیدگاه ایشان، ولایتی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در امر قانونگذاری دارند، یک ولایت الهی است و ریشه در ولایت الهی داشته و برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی می‌باشد. مردم‌سالاری دینی نیز بدین معناست که نماینده مجلس شورای اسلامی از طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، یک ولایتی پیدا کرده است. از این رو آنچه در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای همگان واجب‌الاتباع خواهد بود.^۲ قانون که توسط نمایندگان در چارچوب ولایت الهی وضع شد، جنبه الزام‌آوری و حاکمیتی و ولایتی نیز خواهد داشت و قانونگذار با وضع قانون، اعمال ولایت و اعمال اقتدار بر جامعه می‌کند.^۳

ساختار قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام پارلمانی جمهوری اسلامی ایران یک مجلسی و دو رکنی است. یکی از ارکان آن شورای نگهبان و رکن دیگر آن مجلس شورای اسلامی است.

شورای نگهبان و قانون

پذیرش دین اسلام از سوی مردمان هر جامعه‌ای، متضمن گردن نهادن افراد آن جامعه به دستورات آیین آسمانی اسلام است تا با عمل به این دستورات، راه هدایت بر مردمان هموار گردد و آنان به مقام عبودیت نایل شوند. در این میان حکومت اسلامی نیز برای تحقق کارویژه اصلی خود که همانا تحقق حاکمیت... و تسهیل عبودیت بندگان خداست، باید قوانینی منطبق بر اراده حکیمانه الهی را بر جامعه حاکم سازد.^۴

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ، ۱۳۸۸/۴/۳.

۴. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید».



مطابق قانون اساسی نباید برخلاف موازین اسلامی اقدامی صورت گیرد. زیرا مطابق قانون اساسی، حاکمیت از آن خداست؛ یعنی ما علاوه بر این که از نظر تکوینی مقهور اراده خداوندیم از نظر شرعی نیز وابسته‌ایم و حاکمیت را برای او می‌دانیم، لذا قانونگذاری ما هم قانونگذاری نیابتی است و طبیعی است که نباید با اراده منوب عنہ تعارضی داشته باشد.^۱

مطابق اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

همچنین مطابق اصل ۷۲ قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نودوششم آمده برعهده شورای نگهبان است».

در مورد ترکیب اعضای شورای نگهبان نیز طبق اصل نودویکم بیان داشته است: «به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.
۲. شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به‌وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای ملی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

اهمیت شورای نگهبان در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران به اندازه‌ای است که مطابق اصل نودوسوم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان». علت اینکه شورای نگهبان در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران از چنین جایگاه رفیعی برخوردار است را باید در لزوم حاکم بودن اسلام بر تمامی شئون حکومت اسلامی خصوصاً در زمینه قانونگذاری جستجو کرد. برای مشروعیت و اصالت قوانین، تطابق آنها با شرع لازم است.^۲ با پذیرش شرع به‌عنوان ملاک و مناط اعتبار و مشروعیت قوانین، طبیعی است که هرگونه قوانین خلاف آن نیز فاقد اعتبار خواهند بود.^۳

اسلامی بودن نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران که به معنای مطابقت کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی و... با موازین اسلامی است، در

۱. ناصر کانونیان، نامه مفید، شماره چهل‌وسوم، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، ص ۱۹۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۲/۳/۷.

رابطه با قوه مقننه که وضع قوانین کشور را برعهده دارد و نیز دیگر نهادهایی که به نحوی - طبق قانون - مقررات و آیین‌نامه‌هایی را به تصویب می‌رسانند، ضرورت وجود نهادی را که عهده‌دار تشخیص اسلامی بودن قوانین و مقررات باشد ایجاد می‌کند. این اصل که نظام حاکم باید اسلامی باشد، ضرورت انقلاب اسلامی و مفاد جمهوری اسلامی است که ملت ایران در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین‌ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی با اکثریت ۹۸/۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت دادند. حاکمیت این اصل به‌طور مستمر نیاز به نهاد رسمی برای پاسداری از اسلامی بودن نظام دارد و بدون چنین نهادی، نظام ناقص است و سرانجام خصلت اسلامی بودن را از دست خواهد داد.

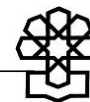
از سوی دیگر به دلیل اختلاف نظر در احکام اسلام و دیدگاه‌های متفاوتی که در فقه و اصول فقه بین فقها وجود دارد و استنباط‌ها و فتاوی مختلف را ایجاد می‌کند، فقدان یک نهاد رسمی نوعی هرج و مرج به وجود خواهد آورد و خواه ناخواه به نظر بعضی از فقها، نظام از خصلت اسلامی برخوردار و به نظر دیگران مخالف اسلام تلقی خواهد شد.^۱ لذا برای جلوگیری از تشتت آرا و برای اینکه ضابطه و قاعده مشخصی مدنظر قرار گیرد تا براساس آن نیز قوانین واحدی در کشور حاکم گردد «اشکال ندارد که نظر علما و صاحب‌نظران اسلامی که انحرافی ندارند در روزنامه‌ها مطرح بشود، اما باید به این امر توجه داشت که آنچه مورد عمل باید قرار گیرد و به‌عنوان ضابطه در جمهوری اسلامی درآید، قوانینی است که از مجلس می‌گذرد و مورد تأیید و تصویب شورای نگهبان قرار گرفته است باید مرز بین صاحب‌نظران و قوانین لازم‌الاجرا در جامعه مشخص شود».^۲

با توجه به ضرورت و اهمیت شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران به نمونه‌ای از فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) در مورد جایگاه این نهاد در اسلامی بودن قوانین اشاره می‌شود:

امام (ره) لزوم وجود نهادی ناظر بر اسلامی بودن مصوبات مجلس را از لوازم تشکیل حکومت حق خدایی عادلانه می‌داند: «اگر آن حکومت حق خدایی عادلانه بخواهد تشکیل شود باید مجلس از فقها یا به نظارت فقها تشکیل شود و در مجلس قوانین آسمانی طرح شود و در کیفیت عملی شدن آنها بحث شود».^۳

ایشان وجود شورای نگهبان را مایه اطمینان خاطر از اسلامی بودن قوانین مصوب مجلس می‌دانند: «با داشتن علما و قانون‌دان‌ها، حقوق‌دان‌های نگهبان شورای نگهبان ما آرام هست دلمان برای اینکه در مجلس ان‌شاء... مسائلی برخلاف اسلام و برخلاف مصالح مسلمین نخواهد گذشت و اگر اشتباهی در مجلس واقع بشود شورای محترم نگهبان که در این دوره با کمال قدرت و استقلال عمل

۱. عمید زنجانی، حقوق اساسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، صص ۴۲۸-۴۲۹.
 ۲. امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۲۱۵.
 ۳. امام خمینی، کشف الاسرار، انتشارات مصطفوی، بی‌تا، ص ۲۱۳.



کرد در دوره‌های دیگر هم همین طور باشد و این ملت را و این دولت را و این کشور را پیش ببرد»^۱ به‌خاطر نقش اساسی شورای نگهبان در زمینه اسلامی بودن قوانین است که امام خمینی (ره) می‌فرمودند: «من با نهاد شورای نگهبان صد درصد موافقم و عقیده‌ام هست که باید قوی و همیشگی باشد»^۲ امام (ره) معتقد بودند که باید: «شورای نگهبان بدون ملاحظه از هیچ‌کس فقط و فقط خدا را در نظر بگیرند احکام اولیه باید جاری شود و آن روز هم که اضطراری پیش آمد احکام ثانویه که آن هم حکم خداست را باید جاری نمایند»^۳. همچنین امام خمینی (ره) در جمع اعضای شورای نگهبان نیز فرموده‌اند: «شما ناظر بر قوانین مجلس باشید و باید بدانید که به هیچ‌وجه ملاحظه نکنید باید قوانین را بررسی نمایید که صددرصد اسلامی باشد به هیچ‌وجه گوش به حرف عده‌ای که می‌خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوششان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، ندهید، قاطعانه با این‌گونه افکار مبارزه کنید خدا را در نظر بگیرید اصولاً آنچه باید در نظر گرفته شود خداست نه مردم، اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنان حرفی می‌زنند که برخلاف اصول قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید ولو تمام بر شما بشورند»^۴.

از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز شورای نگهبان دستگاهی است که قانون اساسی آن را وسیله حقانیت این نظام قرار داده است. ایشان معتقدند: «اگر شورای نگهبان نمی‌بود و نباشد یا تضعیف شود یا کار خودش را انجام ندهد، حرکت اسلامی این نظام زیر سؤال خواهد رفت. زیرا حرکت نظام براساس قوانین است و اگر قوانین اسلامی بود، نظام ما اسلامی است»^۵. «شورای نگهبان نقطه تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است. این شورا علاوه بر اینکه مانع از انحراف نظام اسلامی از خط دین و اسلام می‌شود، مانع انحراف نظام از خط قانون اساسی خواهد شد»^۶.

از نظر مقام معظم رهبری، قانون اساسی ستون فقرات و در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است. شورای نگهبان نمی‌گذارد دستگاه‌های کشور از قانون اساسی منحرف شوند و نمی‌گذارد که قوانین مخالف قانون اساسی تصویب و اجرا شوند.

مجلس و قانون

نهاد مجلس در معنای امروزی آن نخستین بار در اندیشه سیاسی مغرب زمین تولد و رشد یافت و در دوره حکومت قاجار و در سال‌های شکل‌گیری نهضت مشروطه وارد ایران شد. جایگاه و کارکرد مجلس در نظام مبتنی بر اسلام از جمله موضوعات بسیار مهمی است که در فلسفه سیاسی و حقوقی

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۴.
۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۵۱.
۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۶۵.
۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵۸.
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۱.
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

حکومت‌های دینی باید به آن پاسخ داد. در نظام‌های عرفی دنیا، مجلس هر قانونی را که بخواهد تصویب می‌کند، اما در نظام مبتنی بر اسلام، قوانین باید مبتنی بر اصول اسلامی باشند. بنابراین این مسئله مطرح است که مجلس چه جایگاهی دارد؛ به‌ویژه براساس نظریه‌ای که معتقد است: هیچ موضوعی خالی از حکم شریعت نیست و اسلام برای همه امور و موضوعات کلی و جزئی دارای حکم است (قاعده عدم جواز خلو الوقایع عن الحکم)؟ آیا باز هم می‌توان مانند نظام‌های غیردینی، مجلس را نیروی قانونگذار و قوه مقننه خواند یا دیگر چنین چیزی صحیح نیست و حداکثر آن است که مجلس وظیفه کشف قوانین و «برنامه‌ریزی» برای اجرای آن را برعهده دارد؟ براساس نظریه اخیر «کارکرد مجلس شورا در نظام اسلامی تنها ارائه مشاوره در ترسیم خط‌مشی و برنامه‌های درست عادلانه براساس ضوابط اسلام است که فقیهان استنباط کرده‌اند». اما از نظر گروه دیگر در چارچوب اصول کلی اسلام و در موارد فاقد حکم الزامی (منطقه الفراغ) می‌توان قانونگذاری کرد.

شهید صدر معتقد است: «مکتب اسلام دارای دو جنبه مستقل است:

یکی به‌طور منجز به‌وسیله شارع تعیین گردیده و تغییر و تبدیل در آن راه ندارد.

جنبه دیگر که «منطقه الفراغ» نامیده می‌شود، باید به‌وسیله ولی امر برحسب نیازها و مقتضیات

زمان و مکان تنظیم شود...»^۱.

درخصوص دسته دوم قوانین (قوانین عرفیه)، «انطباق بر شریعت» به این است که با موازین و اصول کلی و روح حاکم بر شریعت تعارضی نداشته باشند^۲ که تشخیص آن نیز باید برعهده کسانی باشد که با شریعت اسلامی و اصول کلی آن، آشنایی کامل دارند.^۳

از دیدگاه مرحوم آخوند خراسانی نیز نمایندگان در مقام ثقات و جمهور مردم، با رعایت موازین شرعی و با نظارت مجتهدان در امور عرفیه قانونگذاری می‌کنند. ایشان با تکیه بر دیدگاه‌های خاص خود در زمینه اداره مملکت، حقوق مردم و وظیفه نمایندگان، مبنای تشکیل مجلس را چنین بیان کرده است: «بدیهی است عقول عدیده، جهات خفیه و کامله اشیا را بهتر از یک عقل درک می‌کنند و ظلم و جور و تعدی و اجحاف با فعالیت و حکمرانی مبعوثان ملت به درجات کمتر خواهد بود و نیز به فتوای عقل و شرع و وجدان و انسانیت، اجتماع عقول ناقصه بهتر از یک عقل ناقص است».

نامه ایشان خطاب به نمایندگان مجلس و نصیحت‌هایی که به آنان کرد در فهم دیدگاه‌های ایشان درباره جایگاه مجلس و وظایف آن بسیار مفید است. در این نامه آمده است: «این اساس بزرگ که به عهده کفایت آن دینداران با دیانت و دولت‌خواهان با غیرت سپرده شده مفتاح سربلندی دین و دولت و

۱. سید محمدباقر صدر، اقتصادنا، المجمع العلمي للشهید الصدر، ۱۴۰۸، ص ۷۲۵.

۲. سید محمدباقر صدر، نگرش فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه امین‌رضا عابدی‌نژاد داورانی، قانون و قانونگذاری در آرای اندیشمندان شیعه، ۱۳۸۹، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۳۰۴-۳۱۷.

۳. داود فیرحی، شیعه و دموکراسی مشورتی در ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۷، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۴۳.



پایه قوت و شوکت و استغنا از اجانب و آبادانی مملکت است. وا... ملل و دول عالم در این موقع نگران حال ما هستند که از این اتفاق ملی و مجلس شوری که آخرین علاج امراض و مزمنه مهلکه است چه گیریم... ان شاء... تعالی هیچ دقیقه را فروگذار نفرموده قوانین محکم دین مبین را که ناموس اکبر و از عزائم اسباب شرعی بوده و فقط رسمی از آن باقی است صحیحاً به موقع اجرا و مصالح دولت و انتظامات مملکت را بر وجه أحسن و نظم اتقن مرتب و ابواب استبدادات و تعدیات و حیفومیل و خائنانی که خانه ملت را ویران...»^۱

توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) در زمینه محدوده و ماهیت کارکرد مجلس تا حدودی می‌تواند در فهم ماهیت قانون در جمهوری اسلامی ایران راهگشا باشد. از دیدگاه ایشان یکی از اولین نقش‌های اساسی مجلس در عرصه تقنین «تشخیص موضوع» است. امام (ره) در پاسخ به نامه آیت‌الله گلپایگانی در خصوص حدود اختیارات مجلس شورای اسلامی در وضع قوانین منطبق با احکام اولیه و ثانویه چنین آورده‌اند: «پس از تبریک عید مبارک غدیر به عرض عالی می‌رساند، تلگراف محترم مبنی بر نگرانی جنابعالی در اختیاراتی که به مجلس داده شده است واصل گردید، اختیارات مذکور تشخیص موضوع است که در عرف و شرع به عهده عرف است و مجلس نماینده عرف و نمایندگان خود از عرف هستند و اگر در حکم خلافی شد نظارت بر آنها هست و شورای نگهبان در این امری که به عهده آنهاست حق دخالت دارند اگر در حکم ثانوی یا اولی خطایی صادر شود لکن شورای نگهبان حق تشخیص موضوعات به حسب قانون ندارند»^۲. ایشان در جای دیگری فرموده‌اند: «مجلس محترم شورای نگهبان که در رأس همه نهادهاست در عین حال که از اشخاص عالم و متفکر و تحصیلکرده برخوردار است خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحب‌نظر خود در کمیسیون‌ها دعوت کنند که با برخورد نظرها و افکار، کارها سریع‌تر و محکم‌تر انجام گیرد و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظرخواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد و این نکته نیز لازم است تذکر داده شود که رد احکام ثانویه پس از تشخیص موضوع به وسیله عرف کارشناس با رد احکام اولیه فرقی ندارد چون هر دو احکام... می‌باشند»^۳.

دومین کارکرد اساسی مجلس را از دیدگاه امام (ره) می‌توان «وفق دادن مصالح کشور با قانون‌های آسمانی» بیان کرد. ایشان معتقدند: «اگر آن حکومت حق خدایی عادلانه بخواهد تشکیل شود باید مجلس از فقها یا به نظارت فقها تشکیل شود و در مجلس قوانین آسمانی طرح شود و در کیفیت عملی شدن آن بحث شود و دولت قوه اجرای آن باشد و جمله کلام آنکه شما می‌گویید قوه مقننه افکار پوسیده بشر است، ما می‌گوییم قوه مقننه خدای جهان است که عالم به همه مصالح است و هم مهربان به همه

۱. حسین نصراللهی، آخوند خراسانی، قانونگذاری، مجلس شورا، ماهنامه زمانه، شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ص ۳۱.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۱۱.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۰۲.

افراد است و هم خود غرض و مرض ندارد و هم دستخوش عوامل نیست و تحت تأثیر کسی واقع نمی‌شود و منافع کشوری را فدای کشور دیگر نمی‌کند که در این صورت تشکیل مجلس برای وفق دادن مصالح کشور است با کلیات قانون‌های آسمانی و نظارت در قوه اجرائیه عامله است»^۱.

همچنین خطاب به نمایندگان مجلس بیان داشته‌اند که: «آن قدری که شما اختیار دارید در این مجلس این است که جمهوری اسلامی را برطبق موازین اسلامی پیاده کنید البته راجع به امور اداری‌اش و اینها نظر دادن هیچ مانعی ندارد»^۲.

سومین کارکرد مهم تقنینی مجلس را از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان کارکرد «برنامه‌ریزی» مجلس دانست. امام (ره) معتقدند که: «فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های «مشروطه سلطنتی» و «جمهوری» در همین است؛ در اینکه نمایندگان مردم، پادشاه در این‌گونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است هیچ‌کس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت. به همین سبب در حکومت اسلامی به جای مجلس قانونگذاری که یکی از سه دسته حکومت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها کیفیت انجام خدمات عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند»^۳.

مجلس در چارچوب تعالیم اسلامی می‌تواند برای اداره کشور برنامه‌ریزی کرده و قوانین وضع کند. مطابق اصل هفتادویکم: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

اما اصل هفتادودوم محدوده قانونگذاری مجلس را مشخص کرده و بیان داشته است: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نودوششم آمده برعهده شورای نگهبان است».

همچنین مطابق اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است».

جمهوری اسلامی به‌لحاظ شکل مانند سایر نظام‌هاست، ولی به‌لحاظ محتوا شرع بر آن حاکم است. قانونگذار خداست و پیامبر (ص) و ائمه (ع) مبین شرع‌اند. پس از تبیین، تشخیص شریعت در

۱. امام خمینی، کشف‌الاسرار، انتشارات مصطفوی، بی‌تا، ص ۲۱۲.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

۳. امام خمینی، ولایت فقیه، سپهر، قم، ۱۳۵۷، ص ۵۳.



عصر غیبت مطرح است که آن هم وظیفه مجتهدان است. پس از تشخیص مجتهدان، چرخه قانونگذاری به حلقه کارشناسی نیاز دارد. کارشناسان باید برنامه‌ریزی کنند و پس از آن نوبت به اجرا می‌رسد. در ورودی و خروجی این سیستم هم باید نظارت صورت گیرد. با پذیرش تشریح الهی، تبیین پیامبر (ص) و امام (ع)، تشخیص مجتهدان و برنامه‌ریزی کارشناسی، اجتهاد پویا و فقه فعال می‌شود و در این روند، داده‌های فقه به اجرا راه می‌یابد. ولی در نظام‌های دمکراسی، ورودی سیستم، اراده عمومی است که در مجلس تجسم می‌یابد.^۱

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب «مجلس، مهمترین مظهر مردم‌سالاری دینی است»^۲ از دیدگاه ایشان «اهم وظایف مجلس، قانونگذاری است. نباید قانونگذاری را به چشم یک امر کوچک و فردی و جدا از یکدیگر نگاه کرد. مجموعه قوانینی که دستگاه قانونگذاری می‌گذارد - چه به صورت قانون‌های جدا جدا، چه به صورت قانون بودجه یک‌ساله، چه به صورت برنامه‌های بلند پنج‌ساله و یا اگر همت کنند بیشتر - همه اینها عبارتند از آن چیزی که این کشور در آن طریق حفظ خواهد کرد. راه این کشور و این ملت، همین قانونی است که مجلس وضع می‌کند. دولت هم تابع مجلس است. قانون مصوب قوه مقننه است که دولت را موظف و مکلف می‌کند که از این طرف یا آن طرف حرکت کند. پس همه چیز به مجلس بر می‌گردد».^۳

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، قوانین مجلس شورای اسلامی از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردارند که می‌توان گفت دین، اسلام و انقلاب همان چیزی است که در قالب قوانین مجلس شورای اسلامی تصویب شده است و از تأیید بزرگان و فقهای محترم شورای نگهبان یا بعضی از مراکز مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و غیره گذشته باشد.^۴

در اندیشه مقام معظم رهبری، قانون جاده‌ای است که قانونگذار براساس قواعد اسلامی و خواست مردم به سمت هدف‌هایی که کشور و مدیران اجرایی و مسئولان باید به آنجا برسند، باز می‌کند. قانون اساسی و چشم‌انداز بیست‌ساله برای کشور در همه بخش‌های خود هدف‌هایی را معین کرده است؛ هم در بخش حقوق مردم، هم در بخش تشکیلات دولتی، هم در سایر بخش‌ها. هر اصلی از اصول قانون اساسی در واقع هدف و سرمنزلی است که باید به آن رسید. برای رفتن به این سمت، حتماً لازم است راهبرد و جاده‌ای وجود داشته باشد؛ بدون برنامه و چشم‌انداز نمی‌شود حرکت کرد. دستگاه اجرایی کشور باید به سمت آن هدف‌ها برود. دستگاه اجرایی، اعم از قوه مجریه و قوه قضائیه و نیروهای مسلح و همه دستگاه‌هایی است که نهادهای دولتی هستند و بخشی از اداره کشور برعهده آنهاست؛ اینها باید به سمت این هدف‌ها حرکت کنند. قانونگذار با وضع قانون، راه‌های صحیح را معین می‌کند و

۱. آیت‌الله کعبی، فقه و قانونگذاری، مجله فقه، سال پانزدهم، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۰۵.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۷.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۹.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۶۹/۷/۴.

دستگاه‌های پیشرونده را از غلتیدن در ورطه‌های خطرناک و انحرافی باز می‌دارد. بنابراین قانونگذاری، بسیار بسیار مهم است و هر چه قانون با نگاه آگاهانه‌تر و خبره‌تر و شناخت موضوعات و مصالح کشور بیشتر همراه باشد، استحکام آن بیشتر است. وقتی استحکام قانون بیشتر بود، کارآیی آن بیشتر خواهد بود و مدت زمان بیشتری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین نقش قانون خیلی مهم است.^۱

نگاه رهبر معظم انقلاب به قانون در غالب موارد نگاهی توأم با کارکرد ماهوی قانون است. ایشان در تعبیرات گوناگونی از قانون به‌عنوان جاده و مسیر حرکت کشور و نیز نرم‌افزار حرکت عظیم کشور یاد کرده‌اند. این نوع نگاه به قانون فراتر از نگاه‌های مرسوم است که صرفاً به چارچوب‌های حقوقی خلاصه می‌شود. در این نگاه، اهداف غایی قانون مدنظر است. از جمله فرمایشات ایشان در این زمینه عبارت است از: «همان‌طور که عرض کردیم، این قانونی که شما دارید تنظیم می‌کنید، در واقع نرم‌افزار حرکت عظیم این کشور است؛ یک کشور، یک ملت، هفتاد میلیون جمعیت، که فی‌نفسه یک چیز بسیار خطیر و بسیار عظیمی است؛ در هر کجای دنیا که باشد با هر جور مردمی که باشد، مسئولیت سنگینی است، لکن در شرایط ما، مسئله از اینها بالاتر است؛ مسئله این است که همین کشور شما، این انقلاب شما، این نظام جمهوری شما، راه نوری را در برابر پای بشر امروز گشوده است. اینها تعارف نیست، اینها عمق و متن تفکری است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی براساس او تشکیل شده».^۲

نقش مصلحت در احکام الهی و نظام اسلامی

در احکام اسلامی مصلحت مورد توجه بوده است. امام خمینی (ره) معتقدند: «خدا این‌طور نیست که در نظر نگرفته باشد که مصلحت چی است برای یک ملت یا برای یک جمع مصلحت چی است و مصلحت حالا باید این باشد آن وقت آن باشد آنجاها هم که مصلحتی در تغییرات بوده است خدا گفته است آنها را، احکام ثانویه برای همین معناست که گاهی یک مسئله‌ای در جامعه‌ها پیش می‌آید که باید یک احکام ثانویه‌ای در کار باشد آن هم احکام الهی است منتها احکام ثانویه الهی است».^۳

براساس دیدگاه امام راحل، ولی فقیه به استناد حدیث «الفقهاء حصون الاسلام»^۴ حافظ نظام و احکام اسلام می‌باشد، ولایتش به اعتبار نص احتجاج که از ولایت امام معصوم (ع) جعل می‌گردد، مانند ولایت پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) مطلقه و عام است. بر این اساس فقیه دارای حکومت ولایتی، بر مبنای اختیاراتی که برای صیانت از نظام و جامعه اسلامی دارد، احکامی را وضع می‌کند که تحت عنوان احکام اولیه یا ثانویه قرار نمی‌گیرد. مثل اینکه ولی فقیه حکم کند که افراد، در سن خاصی الزاماً به جبهه جنگ اعزام گردند. این احکام که در چارچوب احکام اولیه یا ثانویه جای نمی‌گیرند و به اعتبار

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۱/۳/۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۶۹.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۸۱، ه ق، ج ۱، ص ۲۸.



مقام و منصب ولایت وضع می‌شوند، ضمن آنکه فراتر از احکام فرعی الهی قابلیت جعل دارند، بر آنها نیز مقدم می‌باشند.^۱ ولایت مطلقه‌ای که خداوند به پیامبر اکرم (ص) واگذار نموده است از اهم احکام الهی است که در دیدگاه امام بر جمیع احکام فرعی الهی مقدم است. ایشان می‌فرمایند: «حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول... (ص) است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است.»^۲

در دیدگاه امام خمینی (ره) تمام اختیاراتی که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) در امور حکومت و سیاست داشتند، فقیه نیز آنها را دارا می‌باشد. ایشان فرق گذاشتن بین این سه را معقول نمی‌داند و قائل است که ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است تا جایی که احکام حکومتی بر سایر احکام، حاکم و مقدم است.^۳

پاسخ‌هایی که امام به برخی از مبادی اجرایی برای حل مشکلات اجتماعی دادند حاکی از آن است که ایشان اعمال ولایت را تا جایی می‌داند که مصلحت نظام اقتضا دارد، چه به لحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفسده‌ای که برحسب احکام ثانویه به‌طور موقت باید اجرا شود و در واقع مربوط به اجرای احکام و سیاست‌های اسلام و جهاتی است که شارع مقدس راضی به ترک آنها نمی‌باشد. امام (ره) مصلحت نظام را به اندازه‌ای مهم می‌داند که چه‌بسا نادیده انگاشتن آن موجب این پندار می‌شود که قوانین اسلام قادر به اداره جامعه نیست. این نکته در نصیحت پدران ایشان به اعضای شورای نگهبان قانون اساسی به چشم می‌خورد، آنجا که اعضای شورا در تأیید مصوبات مجلس شورای اسلامی دچار نوعی سخت‌گیری شده و علی‌الظاهر عنصر مصلحت را کم‌رنگ تصور می‌کردند، امام فرمودند: «تذکر پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست، حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند و این بحث‌های طلبگی مدارس که در چارچوب تئوری‌هاست نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد- و خدا آن روز را نیاورد- باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ‌وخم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.»^۴

ایشان در تأکید بر عنصر مصلحت فرموده‌اند: «مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی

۱. محمد محمدی گیلانی، احکام اسلام، مجله رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳، صص ۶۰-۶۵.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

۳. همان.

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۱۸.

تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج پیروز گرداند»^۱.

ورود عنصر مصلحت در نظام قانونگذاری کشور

در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱، قانون اراضی شهری و قانون کار مصوب مجلس مورد اشکال شورای نگهبان قرار گرفت و مجلس تصویب این قوانین را ضروری می‌دانست. رئیس وقت مجلس، در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵، طی نامه‌ای به محضر امام (ره) با اشاره به ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی که برحسب احکام ثانویه به‌طور موقت در مورد قسمتی از قوانین مجلس باید اجرا می‌شد، خواستار اعمال ولایت و تنفیذ مقام رهبری در این رابطه شدند و ایشان نیز در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۹، طی جوابیه‌ای اعلام داشتند: «... پس از تشخیص موضوع به‌وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند، در تصویب و اجرای آن و...».

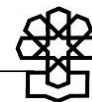
براساس این مجوز، قوانینی که از نظر شورای نگهبان در چارچوب احکام اولیه قرار نمی‌گرفتند، در صورت تشخیص ضرورت از ناحیه مجلس، با تمسک به احکام ثانویه قابل اجرا بود.

بدین ترتیب برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب، برخی از مقرراتی که با موازین شرع یا قانون اساسی موافق نبود، اما به‌دلیل ضرورت و مصلحت جامعه اقتضای تصویب آنها ضروری می‌نمود، مطرح شد و پس از رأی اکثریت نمایندگان مجلس به اجرا در می‌آمد.

قانون اراضی شهری (مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۶۰)، قانون کشت موقت و تجدید تصویب قانون اراضی شهری، از آن دسته قوانینی بودند که مجلس با عنوان ضرورت آنها را تصویب کرد و شورای نگهبان به‌دلیل تشخیص ضرورت از ناحیه مجلس آنها را مغایر با شرع و موازین قانونی ندانست. اما تفسیر و تأویل‌هایی که از ضرورت و استفاده از حکم ثانوی به میان آمد موجب نگرانی شورای نگهبان از سوی مجلس به‌کار می‌رفت، موجب نگرانی شورای نگهبان شد و دبیر وقت شورا طی نامه ۱۳۶۴/۴/۴ به امام (ره) به‌طور تلویحی خواستار اعمال حق اظهارنظر شورای نگهبان در مورد ضرورت‌ها شد و در همین نامه راه جلوگیری از تصویب ضرورت‌های غیرواقعی مورد سؤال قرار گرفت.

امام (ره) در پاسخ به این نامه مرقوم فرمودند: «من قبلاً گفته‌ام در صورتی که دوسوم نمایندگان

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۶۴.



محترم مجلس شورای اسلامی ضرورتی را تشخیص داد، احتیاج به تصویب و یا رد آن شورای محترم را ندارد، لذا در هر مورد احتیاج به سؤال نیست چرا که من در هر مورد نظر مثبت و یا منفی ندارم، شما آقایان برطبق آنچه که قبلاً گفته‌ام عمل نمایید».

مباحثی که پیرامون لایحه قانون کار میان شورای نگهبان و مجلس صورت گرفت بار دیگر بحث ضرورت همراه با مصلحت در تصویب قوانین صورت جدی‌تری به خود گرفت.

سرانجام در اواسط بهمن ۱۳۶۶، از سوی رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، رئیس دیوان عالی کشور، نخست‌وزیر و مرحوم حاج سیداحمدآقا، نامه‌ای خطاب به محضر امام (ره) نگاشته و از ایشان خواسته شد که برای حل عملی مسائل مرجعی را تعیین کنند که با تشخیص آن مرجع اختلافات حل شود.

امام (ره) نیز بلافاصله در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷، به این نامه جواب دادند و در ضمن آن، فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر فرمودند: «گر چه به نظر این جانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لیکن برای غایت احتیاط در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرع و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام خامنه‌ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی‌ها و جناب آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع، مورد عمل قرار گیرد.

احمد در این مجمع شرکت می‌نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سریع‌تر برسد. حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلامی عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خداوند متعال می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید»^۱.

مجمع تشخیص مصلحت نظام که صرفاً براساس دستور امام (ره) ایجاد شد در اواخر سال ۱۳۶۶، آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم و پس از اصلاحاتی که به

دستور امام در برخی مواد آن (۵ و ۱۰) به عمل آورد، مورد تأیید ایشان قرار گرفت و رسماً کار خود را شروع کرد. برخی از مهمترین تصمیم‌گیری‌هایی که در این دوره در مجمع تشخیص مصلحت انجام گرفت، عبارتند از:

- قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب آبان ۱۳۶۷،

- قانون حل مشکل اراضی بایر، مصوب ۱۳۶۷/۵/۲۵،

- قانون تعزیرات حکومتی، مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳.

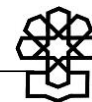
مجمع تشخیص مصلحت نظام تا قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، فاقد جایگاه قانونی در قانون اساسی بود و صرفاً مشروعیت و قانونی بودن تصمیمات آن با توجه به اختیارات مقام ولایت مطلقه فقیه که قانون اساسی آن را به رسمیت شناخته، قابل توجیه بود.

بعد از موافقت امام (ره)، با اصلاح برخی از اصول قانون اساسی و تعیین شورای بازنگری، این شورا پس از مباحث فراوان در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۹، اصل یکصد و دوازدهم اصلاحی قانون اساسی را بدین‌گونه تصویب کرد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید».

متعاقب گنجانده شدن مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۱۲، مقام معظم رهبری، طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور وقت، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را تعیین و دستور تشکیل آن را صادر کردند.

حاکمیت قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران

هدف از وضع قانون، برقراری نظم و امنیت و عدالت جهت نیل به کمال و سعادت جوامع انسانی است. تحقق این هدف در گرو حاکمیت قانون و قانونگرایی همگان است. اهمیت حاکمیت قانون به حدی است که مرحوم علامه میرزا محمدحسین نائینی در کتاب «تنزیه‌الامه» آورده است: «قانون مصوب مجلس باید رساله عملیه مدیران اجرایی باشد». یعنی همان‌گونه که یک مقلد قبل از اینکه کاری انجام دهد ابتدا رساله عملیه مرجع تقلیدش را می‌بیند که آیا مجاز است این کار را بکند یا نه و اگر مجاز است چگونه باید آن را انجام دهد، یک مدیر اجرایی هم باید قانون را به‌مثابه رساله عملیه در دست



داشته باشد و اول به قانون مراجعه کند.^۱

حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که امام (ره) در اولین روز از سال ۱۳۶۰ نیز خطاب به ملت ایران، بر لزوم حاکمیت قانون در جامعه و عمل کردن به آن تأکید ویژه‌ای ابراز کردند. به طوری که آن سال را به نوعی سال حاکمیت قانون عنوان کردند: «[امیدوارم] مملکت ما در سال آینده و در این سال، در همین سالی که هستیم، مملکتی باشد که قانون فقط حکم کند. هیچ کس غیر قانون حکم نکند و تمام مجری قانون باشند و کسی در حدود غیرقانونی عمل نکند و همه در حدود خودشان عمل کنند».

در خردادماه همان سال، امام خمینی (ره) باز هم تأکیدات خود برای رعایت قانون به ویژه در همان سال را تکرار کردند و گفتند: «من در اول این سال اعلام کردم که این سال را باید ما سال اجرای قانون بدانیم و با قانون طوری عمل کنیم که هم اسلام و هم دنیا، کارهای ما را یک رفتار صحیح بداند. در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً، قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند اینها با اسلام مخالفت می‌کنند. کسانی که با مصوبات مجلس بعد از این که شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می‌کنند، اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می‌کنند. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه‌هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سراسر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد».

معمار کبیر انقلاب اسلامی در همان سخنرانی، مطالب مهمی را درباره قانون ایراد فرمودند. ایشان به تأثیر بی‌قانونی در ایجاد اختلافات اشاره کردند و گفتند: «اختلافات از راه قانون‌شکنی‌ها پیش می‌آید. اگر قانون حکومت کند در یک کشوری [اختلافی دیگر نخواهد بود]. چنانچه از صدر عالم تاکنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند. ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه هدی بکنیم و به قانون هم عمل کنیم و هم خاضع باشیم در مقابل قانون. قانون برای همه است».

ایشان خاطرنشان می‌کنند: «البته چنانچه به قانون بخواهند عمل کنند و یک دزدی را به جای خودش بنشانند، آن دزد صدایش در می‌آید، لکن باید به آن دزدی که مقابل قانون می‌خواهد عرض اندام کند، توجه داد که این قانون است. اگر پسر رسول اکرم، دختر رسول اکرم، هم - خدای نکرده - دزدی کند، رسول اکرم دست او را می‌برد؛ قانون است. قانون برای نفع ملت است، برای نفع جامعه است، برای نفع بعضی اشخاص و بعضی گروه‌ها نیست. قانون توجه به تمام جامعه کرده است.

۱. به نقل از اسماعیلی، نقش پژوهش در فرآیند قانونگذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۵۷.

قانون برای تهذیب تمام جامعه است. البته دزدها از قانون بدشان می‌آید و دیکتاتورها هم از قانون بدشان می‌آید و کسانی که مخالفت‌ها می‌خواهند بکنند از قانون بدشان می‌آید، لکن قانونی که مال همه ملت است و برای تهذیب همه ملت است و برای آرامش خاطر همه ملت است و برای مصالح همه ملت است، باید محترم شمرده بشود. نباید چنانچه یک قانونی برخلاف نظر من بود، من بیایم بیرون و هیاهو کنم که من این قانون را قبول ندارم، این قانون خوب قانونی نیست. قانون خوب است، شماها باید خودتان را تطبیق بدهید با قانون، نه قانون [خودش را] با شما تطبیق بدهد. اگر قانون بنا باشد که خودش را تطبیق بدهد با یک گروه، تطبیق بدهد با یک جمعیت، تطبیق بدهد با یک شخص، این قانون نیست. قانون در رأس واقع شده است و همه افراد هر کشوری باید خودشان را با آن تطبیق بدهند. اگر قانون برخلاف خودشان هم حکمی کرد، باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند، آن وقت است که کشور کشور قانون می‌شود».

از دیدگاه امام راحل «آنچه را مجلس شورای اسلامی تصویب نموده و به تأیید شورای نگهبان رسیده هم شرعی است و هم قانونی می‌باشد»^۱ و لذا «کسانی که با مصوبات مجلس بعد از اینکه شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می‌کنند اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می‌کنند».^۲

از نگاه رهبر معظم انقلاب نیز اطاعت محض از قانون، دستور اولی و فوری نظام اسلامی است. به نظر ایشان در هر کجا که فرزندان انقلاب و اسلام هستند باید مطیع بی‌چون و چرای قوانین جمهوری اسلامی ایران باشند و اجرای صحیح و کامل قانون را طلب کنند. آنانی که پا از دایره قوانین جمهوری اسلامی ایران بیرون می‌نهند دانسته و ندانسته به دشمنان انقلاب کمک می‌کنند. پس در اجرای تام و تمام قانون از هیاهوی دشمنان و نفاق‌افکنان نباید ترسید. آنان مایلند که حکومت قانون خدشه‌دار شود و بدین ترتیب نظام اسلامی را با اجرای قانون می‌تواند دشمن را خلع سلاح کند.^۳

ایشان معتقدند: «همه باید در چارچوب حاکمیت قانون حرکت کنند. نه مجلس، نه شورای نگهبان، نه مجمع تشخیص مصلحت نظام، نه رئیس‌جمهور، نه رهبری، هیچ‌کدام حق ندارند از چارچوب قانون تخطی کنند. هر جا قانون اختیاراتی به کسی یا مجموعه‌ای داده، طبق آن عمل کنند».^۴

تأکید ایشان به لزوم مراعات قانون به حدی است که بیان داشته‌اند: «معتقدم باید به قانون عمل کرد؛ چه به نفع ما باشد، چه به ضرر ما. خیلی از قوانینی که در مجلس تصویب می‌شود، ممکن است مورد قبول شما نباشد؛ خیلی از مصوبات دولت ممکن است مورد قبول شما و من نباشد؛ اما به همان چیزی هم که قبول نداریم باید عمل کنیم و این منطق دارد. منطق این است که قانون بد، بهتر از بی‌قانونی و نقص قانون است. این که ما قانون را هر جا طبق میل ما از آب در می‌آید، قبول داشته

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۰۲.
 ۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۶۸.
 ۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳/۱/۱۳۶۱.
 ۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۵.



باشیم، هر جا نتیجه‌اش طبق میل ما از آب در نمی‌آید، قبول نداشته باشیم، منطقی نیست. منم معتقدم قانون باید ملاک باشد»^۱.

ایشان معتقدند: «وقتی که قانون با سازوکار قانون اساسی پیش رفت، حتمیت و جزمیت پیدا می‌کند. تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود». حتی خود رهبری نیز با اینکه در برخی از موارد، قوانینی را قبول ندارد، ولی پس از طی روال قانونی، خود را ملزم به رعایت آن می‌داند مگر در برخی موارد که قانون تصویب شده منجر به انحراف از مسیر نظام اسلامی شود که در این مواقع، از آن قانون جلوگیری به عمل می‌آید.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «رهبری در مسئولیت‌های این دستگاه‌ها مداخله نمی‌کند، مگر خیلی به‌ندرت و در مواردی که احساس کند تخلف آشکاری صورت می‌گیرد. مسئولیت‌های مجلس با خود مجلس است. بنده به خیلی از این قوانینی که در مجلس تنظیم می‌شود، اعتقادی ندارم و آنها را قبول ندارم، ولی وقتی قانون شد، بنده هم به‌صورت یک قانون عمل می‌کنم و مخالفت نمی‌کنم»^۲.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، قانونگرایی ریشه در تقوا دارد: «از جمله مواردی که باید از تقوای مسئولان و نظام بروز کند، رعایت حدود قانونی در همه بخش‌هاست و عدم تخطی از آنچه قانون اساسی و قوانین معتبر برای بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف معین کرده‌اند. تخطی از این قوانین، در مواردی مشکل بزرگ فساد اقتصادی و فساد دستگاه‌های مسئول را به وجود می‌آورد و یا موجب تعارض بین دستگاه‌های مختلف و تشتت و بگومگوهای مضر و مفسده‌انگیز می‌شود»^۳.

قانونگرایی در برابر دیکتاتوری قرار دارد و میل به دیکتاتوری را از میان برمی‌دارد. در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نقطه مقابل قانونگرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است»^۴. توضیح اینکه «در زمینه روحی همه ما میل به دیکتاتوری وجود دارد؛ این را باید سرکوب کرد و این فیل مست درون را باید با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سر به راه نگه داشت. اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع، دیکتاتوری همین جور به وجود می‌آید»^۵.

در جای جای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حاکمیت قانون و لزوم انجام امور به‌موجب قانون مدنظر قرار گرفته است. اصل سی‌ودوم،^۶ سی‌وششم،^۷ یکصدوهفتم^۸ و یکصدوشصت‌وشش^۹ از آن جمله است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۶.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۱.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۸/۴/۳.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخ ۱۳۸۸/۴/۳.

۶. اصل سی‌ودوم: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.

۷. اصل سی‌وششم: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد.

۸. اصل یکصدوهفتم: رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

۹. اصل یکصدوشصت‌وششم: احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی است مبتنی بر مردم‌سالاری دینی. مردم در این نظام در تعیین سرنوشت خود مداخله می‌کنند. یکی از مظاهر مداخله و مشارکت در تعیین سرنوشت، تعیین نمایندگان مجلس شورای اسلامی است تا با وضع قوانین و نظارت بر اجرای آن، جاده و مسیر حرکت کشور را به سمت اهداف و آرمان‌های خود هموار سازند. ماهیت نظام جمهوری اسلامی، ماهیتی اسلامی است. این ماهیت در جای جای نهادها و ساختارهای نظام، باید ساری و جاری باشد تا نظام بتواند مردم را به سرمنزل مقصود برساند. مهمترین ابزاری که نرم‌افزار حرکت کشور و جامعه را تشکیل می‌دهد قانون است؛ پس لاجرم باید قانون، در نظام اسلامی ماهیتاً اسلامی باشد. برای تحقق ماهیت اسلامی قانون، هم شناخت دقیق و صحیح نیازها و موضوعات که در حیطه وظایف مجلس برای وضع قانون قرار دارد اهمیت دارد و هم بررسی تطابق یا عدم مغایرت آن با موازین شرعی و اسلامی. پس از طی این فرآیند، آنچه تحت عنوان قانون حاصل می‌شود هم شرعی است و هم قانونی و لذا بر همگان لازم‌الاتباع است و کسانی که با آن مخالفت کنند، به تعبیر امام امت، دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴. قانون اساسی مشروطه.
۵. اسماعیلی، محسن. نقش پژوهش در فرآیند قانونگذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
۶. امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۶، ۱۷، ۹، ۱۲، ۱۹، ۱۸، ۲۰، ۱۴.
۷. امام خمینی، کشف‌الاسرار، انتشارات مصطفوی، بی‌تا.
۸. امام خمینی، ولایت فقیه، سپهر، قم، ۱۳۵۷.
۹. اسدی، حمید، محمدجواد جاوید، محمدحسین دری کفرانی، پژوهشی پیرامون نسبت‌سنجی حاکمیت قانون در قاموس قانون اساسی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۱.
۱۰. آبادانیان، حسین. مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
۱۱. آجدانی، لطف‌ا... علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، نشر اخوان، ۱۳۸۵.
۱۲. بهشتی، احمد. قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی، در مجموعه مقالات سیری در آرا و اندیشه‌های نابغه بزرگ شیعه حضرت آیت‌ا... نائینی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، ۱۳۷۹.
۱۳. جاوید، محمدجواد. قانون و قانونگذاری از دیدگاه متفکران شیعه، (مجموعه مقالات) انتشارات دانشگاه امام



صادق (ع)، ۱۳۸۹.

۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۵. جوادی آملی، عبدا... ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۱۶. صدر، سید محمدباقر. نگرش فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه امین‌رضا عابدی‌نژاد داورانی، قانون و قانونگذاری در آرای اندیشمندان شیعه، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۱۷. صدر، سید محمدباقر. اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۴۰۸ هجری قمری.
۱۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم. قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
۱۹. شمس کاشمیری، میرزا یوسف. «کلمه جامعه»، در رسائل مشروطیت، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۴.
۲۰. شهرام‌نیا، امیرمسعود. پارلمان‌تاریسم در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۱. صابریان، علیرضا. مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی، مجله حقوق اساسی، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶.
۲۲. علی پاشا صالح، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی. حقوق اساسی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲۵. فضلی، عزیزا... رستمی، ولی، تقنین، عرف و مصلحت در اندیشه علمای مشروطه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۲۶. فیرحی، داود. شیعه و دموکراسی مشورتی در ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۷، بهار ۱۳۸۴.
۲۷. کاتوزیان، ناصر. نامه مفید، شماره چهل‌وسوم، مرداد و شهریور ۱۳۸۳.
۲۸. کعبی، عباس. فقه و قانونگذاری، مجله فقه، سال پانزدهم، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۷.
۲۹. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
۳۰. کاتوزیان، ناصر. کلیات حقوق (نظریه عمومی)، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۳۱. کاتوزیان، ناصر. فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۳۲. کرمانی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۸۱، هـ ق، ج ۱.
۳۴. گرجی، ابوالقاسم. حکومت در اسلام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۳۵. داوری، محسن. ماهیت قانون ۱ (تحولات مفهوم قانون)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، شماره مسلسل ۱۳۵۱۵، ۱۳۹۳.
۳۶. داوری، محسن. ماهیت قانون (۲)، مفهوم قانون در اسلام، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، شماره مسلسل ۱۴۱۷۹، ۱۳۹۳.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۲.
۳۸. محمدی گیلانی، محمد. احکام اسلام، مجله رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۸.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی. نظریه سیاسی اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰.
۴۱. منصورنژاد، محمد. قانونگذاری در حکومت اسلامی، مجله حکومت اسلامی، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۳.

۴۲. موسوی، سید فضل‌ا... . «چرایی تصویب یک قانون و زمان مناسب آن»، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۴۳. مهرآبادی، میترا. قانونگذاری در اندیشه گروهی از موافقان و مخالفان مشروطه، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۱، ۱۳۸۴.
۴۴. نائینی، محمدحسین. تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
۴۵. نصراللهی، حسین. آخوند خراسانی، قانونگذاری، مجلس شورا، ماهنامه زمانه، شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۰.
۴۶. نوری، محمد. روش‌شناسی علمی میرزای نائینی در عرصه سیاست، در مجموعه مقالات سیری در آرا و اندیشه‌های نابغه بزرگ شیعه حضرت آیت‌ا... نائینی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، ۱۳۷۹.

سایت‌ها

www.khamenei.ir
<http://rc.majlis.ir>
www.shora-gc.ir
www.parliran.ir
<http://maslahat.ir>

سایت دفتر مقام معظم رهبری
 سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
 سایت شورای نگهبان
 سایت مجلس شورای اسلامی
 سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام



شماره مسلسل: ۱۴۷۰۳

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهیت قانون (۳) قانون در جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: محسن داوری

ناظر علمی: سیدیونس ادیبانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. قانون

۲. اسلام

۳. جمهوری اسلامی ایران

۴. شورای نگهبان

۵. مجلس شورای اسلامی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰